

# بیکار

۴۷

۲۰ صفحه

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۵۸ بهای ۲۰ ریال

هموطنان مبارز!  
سال گذشته بیشتر انقلابی خلقها را میسر بدوخت و قهقه  
بیشتر رفت، سال آتی را با ایام تبه او بگیر بیشتر اینج  
خیشتر آغاز میکنیم  
نوروزتانم پیروز!

## درباره انتخابات مجلس شورای ملی

### دستگیری کاندیدای انقلابی آبادان تقلب در سرصندوقها بازهم درباره حزب جمهوری اسلامی و کاندیداها پیش ...

صفحه ۸ و ۹

### دومین میتینگ انتخاباتی سازمان چگونه برگزار شد؟ موضع ما در قبال خلع سلاح نیروهای انقلابی

رورده شنبه ۵۸/۱۲/۲۰ دومین میتینگ  
اسخانی ساریان در سالن ورزش دانشگاه  
بلی بکنک تهران برگزار شد که در آن هزاران  
شمار مردم مبارز تهران شرکت کرده بودند.  
در آغاز مراسم سرود سرایا سوزان خوانده  
شد. حاضری نامشهای گره گرده با جواستدو  
این سرودنن المللی کارگران را کوس  
دادند.  
اولین سخنران

### گزارشی از شرکت مخابرات ایران: قطع وابستگی یا ترمیم وابستگی

این شرکت در سطح ایران حدود ۳۰/۰۰۰  
هزار کارمند و کارگر دارد. اراس تعداد حدود  
۱۴۰۰۰۰ نفر در تهران فعالیت می نمایند و از  
این تعداد نیکه در تهران هستند حدود ۶۰ هزار  
نفر در سراسر ایاداری و منی و چهار هزار نفر  
نصورت کارگرو مستخدم استخدام رسمی و سوا  
سندای مناسبند.  
شرکت مخابرات در سال ۵۱ با انحلال  
شرکت سهای تلفن ایران ناسن گردید.  
شرکت تلفن در زمان محبت و سرری دکتر محمد  
شادی منی عده و تاسیل او آن سرری. نیک  
شرکت خصوصی اداره شدند. سوسه شرکت تلفن  
آرمان در اثر مسامحه اداری واسه و  
تربور و کرات جهت دریافت و امای کلان  
ارموسا ااعشاری دسا وار حمله با سگ  
جهانی بوده که عملا برای نسل به اهدا ف  
نحی حوادث نکار شده است. بانک جهانی  
عده در صفحه ۲

### جنایت هوئناک توگمن صحرا این بار در بلوچستان تکرار شد!!

تروور ناجوانمردانه دکتر رحمت الله حسین بر

### شکوه همبستگی کارگران مبارز چینی ایرانا و توطئه عوامل ارتجاع

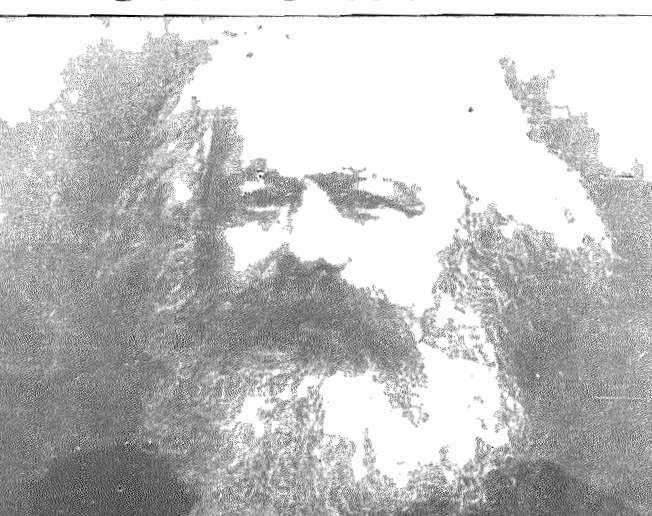
صفحه ۳

### درباره "رفرم ارضی" هیئت حاکمه

- ساری ابرمندانان برت که تا آنجس  
لحظت عمر برسم ساد سنمان آن بودند  
• اسرام بحسیر طایر دادند و بر سوسین  
• حطاسا "اعطاب اسلامی" در سسای از  
• عطا سوسوس سده سهار سهای ح  
• باحظ عا ساند، بلکه بر سهای د عاغان  
• سرب ساسا ای نر ده سپره" هالک س  
• در یافت کنند
- در حالیکه سس اسرام حسن د مویراسک  
• دهفای برای صاد ره رسهای رسد ارت  
• ان سرگ، ه مردم اوح تاره ای سکره  
• سواری اعطاب عنوان نهاد قانون گذاری  
• اعطاب اسلامی "هرازگامی بانصویر  
• لواحی بفع رسندانان بزرگ، جانب آنها  
• راکر مه و بوده های دهفای را با حماق  
• قانون شهید می کرد.

صفحه ۷

### یادگارل مارکس پرچمدار سوسیالیسم علمی وراهنمای زندگی نوین برای انسان گرامی باد!



۱۲ دسامبر ۱۸۴۸ اسفند ایران ساسا بود و همسیر سالگرد در کت کارل مارکس  
مادر سارده آسده فعاله ای نه اس صاسد درج جوا هم کرد.

رفعی علی عدالت فام ساسده کارگران  
سکارا سهران و کاندیدای کارگران ساخمانی  
ار سهران اولس سخنران مراسم بود. او  
اسندا خود را معرفی کرد و از ریختگی خود از  
کنده خود سخن گفت. سرکس ریختگی او سر  
گشتت میلیونها کارگر ایرانی بود، کنه  
برورده رنج وحشی اسدا! اوسس نه وضع  
حاصه پس اسما ما ساره کرد و وضع داد که  
حکومه سوه حسن ساریکا ره قدرت رسدند  
ورحسکمان نه حواست های اسای خود  
بر سسده. در مورد اسخانیات و دموکراسی  
حظلی و سر سکارا نه او کت کدا اسخانیات  
آراد و سراسری سناست اسوانا مال ساده ای  
بوصح داد که حکومه برای سلع کاندیدا  
ئی خود سدروریا نه مراحه کرده و سول سورد  
در حواست روز سانه اساسه است در حالیکه  
برای نیک کاندیدای سروسداس سوس  
سلسناست هج کاری سدارد.  
اوسس نه وضع کارگران سکارا سارده  
کرد و اسرار اسانها و سارهای که اسر  
عده در صفحه ۲

### گرامی باد ۲۹ اسفند سالگرد ملی شدن صنعت نفت ملی شدن صنعت نفت یکی از دستاوردهای بزرگ خلق ماست

دولت ایران در عاقل داسفند ۲۰  
لره اسرلست حاصد نه اداره سسده  
کمرکات کمور اسامه ۲۰ سال سدر سسر  
با کد ارتکد و سر سسید کرد که در اسده  
اسمار سکل با سکیا وساسا حطاسا را نهفای  
سوسه، حطه ملکر امی و سارک ه کار حاه  
ها وسره راد سوس اول س او سده.  
صفحه ۱۹

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران





### اعتصاب کارگران کارخانه سایپا (زنه-ژبان) ورسواپی شورای قلابی کارخانه

ادامه داد، از طرف سورا، کارگران را در سالن جمع کرده تا با ناسیبا رکارگران را برعیندوبه اصطلاح خودتان "فانع کنند". ولی کارگران اینبار حتی به ناسیبا گشت سورا اجازه صحبت هم نمی دادند. درحقیقت جلسه، تبدیل نده بوده محاکمه سورا و مدیریت از طرف کارگران. بالاخره مدیریت کارخانه قول داد که خواسته های کارگران را پیگیری کند و در مورد عیدی نیز با وزارت کار صحبت کند. ولی اعتصاب همچنان ادامه صحبت یافت. روز یکشنبه ۱۹ اسفند مدیریت اعلام کرد که ما به التماس سورا خواهی کردیم که خواسته های شما را بپذیرد. ولی در مورد عیدی شورا انقلاب پخلافت کرده است.

در این موقع عده ای از کارگران ناسیبا که هیئت میکروفون رفته و خواستار آن شدند که همه بسرها بر گردند. اعتراض دیگر کارگران کم نمانده بود که کار به ادراگیری بکشند. کارگران برای جلوگیری از درگیری به سرکارهای خود رفتند و قرار شد که مدیریت پرده خت عیدی را مدنظر داشته باشد. این اعتصاب اگرچه کاملاً موفق نبود لیکن دستاوردها بسیار داشت:

- کارگران دربار فتنه گری شورا انقلاب وزارت کار تهنیت بخشیدند.
- شورای قلابی و ضد کاری کارخانه بخوبی افشاء شد و کارگران خود اعلام کردند که به این شورا هیچ اعتمادی ندارند.
- ماهیت دفتر ادستانی کارخانه (ساواک جدید) و همدستی او با دولت بر علیه کارگران، روشن شد.
- کارگران شماره اسناد خود را دادند و با لاجرم قسمتی از خواسته خود را گرفتند.

کارخانجات سایپا، ارحله واحد های تولیدی است که توسط دولت "ملی" شده است. سرمایه داران این کارخانه را ناسیبا و سرمایه داران وابسته دخی بودند. کارخانه حدود ۴۰۰ میلیون تومان به فرا نسه و همچنین مبالغ هنگفتی نیز به ناسیبا داخلی بدهکار است (یعنی جمعا بیشتر از ارزش خود کارخانه!). در حقیقت دولت جمهوری اسلامی این ۴۰۰ میلیون بدهی به فرا نسه و همچنین بدهی به ناسیبا داخلی را به اصطلاح ملی کرده است! اخیرا ۲۵۰۰ نفر کارگران این کارخانه که خود را برای گرفتن سودویزه، بیشتر از سال قبل آماده کرده بودند، با کمال نسیب مناسبت به سال قبل کم تر شده است. کارگران بطور دستجمعی و با خشم فراوان بطرف شورای قلابی برآه افتادند و شعار می دادند:

"این عیدی به پس سوگو"

نمایندگان دستانی معین در کارخانه (ساواک جدید کارخانه) و اعضای شورای قلابی، کارگران را دعوت به جلسه کردند تا آنها را بفریبند، ولی کارگران هیچ اعتمادی به سورا و مدیریت نداشتند و همچنان به کجی معادار کل سورا اعتراض داشتند. کارگران معترض یک سبک پشت میکروفون قرار گرفته و با همکارانشان در دلد میکردند. آنها از کراسی رورافزون از کاش قدرت خرید کارگر، از کم شدن سود کارگر و... حرف می زدند و علت همه آنها را توضیح می دادند. در پایان کارگران تصمیم گرفتند که تا کراسی خواسته های خود را از اعتصاب بر ندارند.

دورسه ۱۸ اسفند که اعتصاب همچنان

### شکوه همبستگی کارگران مبارز چینی ایران و توطئه عوامل ارتجاع

در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ جدول سودو عیدی در قسمتهای مختلف کارخانه چینی ایران نصب میشود. مدیریت کارخانه "سرچی" شورا کارخانه تصمیم گرفته بودند مبلغ ۱۱ میلیون تومان را بعنوان سود کارخانه به دولت قسمت نموده و آنرا بصورت سودو عیدی پرداخت نمایند. (مبلغ یا دنده برای نسیبه دوم سال در نظر گرفته شده بود. کارگران این کارخانه که ۱۶۷۰ نفر میباشند مبلغ ۶/۵ میلیون تومان در تهنیت و سال از کارخانه گرفته بودند) خشم کارگران کارخانه که زیر شدیدترین فشار قرار داشتند و حتی جمعا نیز مجبور شدند کارکنان دیدن این جدول که برای هر کارگر در مجموع سودو عیدی ۶ هزار تومان در نظر گرفته بود و با فروخته میشود. عصر آنروز اعتراضات پراکنده شروع می گردید. فردای آنروز این اعتراضات پراکنده به علت حضور کارگران آگاه در کارخانه به موج عظیمی بدل میشود. صبح روز ۵۸/۱۲/۱۵ کارگران آگاه ضمن صحبت و انجام کار توضیحی با کارگران قسمتهای مختلف نظرات آنها را در مورد شروع اعتصاب جلب می نمایند. ساعت ۸/۵ اعتصاب از قسمت لمان چینی (شماره ۱) آغاز گشته و با اراده توانای کارگران این قسمت چرخ سسما از حرکت بازمی ایستد. صدای

سوت کارگران آغاز اعتصاب را بجهه کارگران این قسمت خبر میدهند و همکاران برای جلب کارگران دیگر قسمتها شروع به حرکت میکنند. کارگران دیگر قسمتها که منتظر کارگران لمان بودند، با رسیدن آنها دستکها را میچوبانند و با صدوا ردمعت آنها مینویند. هنگام گذشتن صف از مقابل کارگران "انساز" کبیری و "تفه زنی" آنها نیز دست از کار میکشند. کارگران مبارز چینی یک، بقصد دفتر مدیریت کارخانه حرکت کرده و در مسیر خود از داخل قسمتهای چینی ۳۰۲ و ۴۰۰ رده میشوند و در هر قدم صفوف آنها فشرده ترمی گردد. محض رسیدن کارگران به بلود فترت میریدون لحظه ای اتلاف وقت، بسرعت خود را به طبقه دوم میرسانند تا اورا بیرون بکشند. مدیریت اتاقت را از ترس روبرو شدن با کارگران از توقفل میکند. کارگران از پشت درباری فریاد های "مرگ سرچی" میزبان پیوندشان را مدیریت کارخانه که از طرف بنیاد دستمغیبت فرستاده شده است پشیمان میگرددند. آنها در جریان اعتصاب و میا زره آنها نمانده است. ماهیت او برده بودند. کارگران بعد از چند نسیبه مدیریت کارخانه نسیبه در صفحه ۵

### کارگران مبارز برای ششمین بار شورای قلابی کارخانه را منحل کردند

سورا که در دادن معضای ای احلال آسرا اعلام کردند. علائقا رمانیسی کارگران را این شورا، ار همان ماه دوم شکل آن شروع به رشد کرد. حواس اطالی کارگران پاکساری سرکستار عاصرا و اکی و طرفدارا و راه و همچین با نسیب آوردن حقوق مهندسین و سرپرستها و افزایش حقوق کارگران بود. اما اسامی امری ما و مت و کارکنی های شورا روبرو کردند، به نحوی که علیرغم فشاری اکثریت کارگران برای پاکساری و معضه سرک و ناسیبا آوردن حقوق مهندسین و مدیرعامل (مدیرعامل محدود ۲۳ هزار تومان حقوق می گمرد)، سورا ناسیبا های گوناگون ارا انجام اس حواس حقه کارگران خود را کرد. همجنس شورا به با بر حواس نسیبا کارگران که بصورت یکسره به ای از طرف آنان مطرح می شد، مانسب افراین دسمر در کارگران حصد، پرا حصد سودا ما هاول به کارگران حصد و... اعنای نگرد. ناسیبا حصد اس ار کارگران مبارز رمانیسی خود را در یکی از جلسات عمومی سورا مطرح نموده و سروروی حواس نسیبا کارگران بای فرسده، و حواس نسیب عاصرا مطالب اردون سورا شدند. حذرور بعد، عاصرا حصد کارگران که به نسیبها هم در اسنای می ناسند، شروع به نسیب حصدی و توطئه علیه کارگران نموده و رورچه رسنه دوم اسندا هم کارگران مبارز را

کارگران مبارز کارخانه "سراسنک" واقع در ۱۶ کیلومتری جاده مخصوص کرج، در جلسه عمومی خود که دور رسنه اسندا ماه ۵۸ برگزار کردند، برای سمن سراسنک شورا ای اسلامی کارخانه را که مدافع آنان، بلکه مدافع سرمایه داران کارخانه بود، را رای ناطع خود منحل کردند! هنوز دوسه ماهی از عمر اسنک شورا ای حصد نگذشته بود که کارگران رفتن رسنه ما هم صد کارگری آن سی رسنه و ناسیبا می که حصد رورصل اعنای اسناد، ماهت و امی آن کا خلا اشکار کردند و حصدی کارگران اسنگ سلبت بوهمر را دهوره سورا اسناد اسندا ران روی سر کردا بندد. کارگران مبارز که در عمل دندنا اس سورا هم میل سورا های قلابی است، تصمیم به احلال آن گرفتند و علیرغم عاصرا و مت بر حواس نسیبا

### تنها ۴۰ ساعت کار در هفته - ایران اشهر -

کارگران مبارز کارخانه سراسنک (سراسنک) خود را نسیبها را تعطیل نموده و اعلام اسندنیا در هفته ۴۰ ساعت کار خواهد کرد. درود سر کارگران، ساواک اطالی و سر قدرت هر اسنک

### آتش سوزی در کارخانه، توطئه جدید سرمایه داران

مکنند. عوامل مدیریت درسی کارگران با نسیب "عده ای صد نخلای که میچوا هند کارخانه را تعطیل کنند و در وجه سارا را ناسیبا خوردن سندا رسد، اقدام به آسردن کارخانه کرده اند. اس صد نخلایون همان ها. نسیبها که اعتصاب را راه اندا حصد"، ندس تر نسیب می حواس سندا کارگران راهست به اعتصاب حشان ندس سانس. کمسها کارخانه که مدیریت دسورمی کیرد سندا ر سو حود آمدن حوسکن حقدان افرام به دستگیری ۱۱ نفر کارگران می ناسند. آنها این ۱۱ نفر را به نسیبها م دروعس اسندا آتش سوزی و به راه اندا حصد اسنک د عکس مکنند... هم اکون در کارخانه حوجحان و دسمنی اسندا شده است، بوکسی حردت حرف ردن ارا اعتصاب، سودویزه کلا حقوق حصد کارگران را سندا رده. و طبعه کارگران آکا هوسا راس که ناسیبا وضع سارا رده کسند و با توضیح توطئه مدیریت برای سار کارگران هر چه رده حوجحان سار کارخانه را شکند. ما اسنک دارم که اس حوجحان نمی تواند برای مدت طولانی دوام سنا ورد. لسیبه اسنگه ما حصد اسندا راسی وضع اسندا رسد، سکنی به سمنان کار اسندا کره به سروه های آکا هوسا رده. ما به سیم حودلات می کسند ا طرفی بحس اعلامیه و سینه، کارگران را در جهات ارسن ردن حوجحان سسح کسند. ما سودا دسوطنه های سرمایه داران سسوریا سندا ر ارا حوجحان کارگران

شماره ۱۳ "پیکان" نشریه عده ای از کارگران "اسران" با سوسال در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۰ منتشر شده است. در اس شمار نشریه مقالاتی در مورد فتنای توطئه آتش سوزی در کارخانه، کشتار زلفی ترکمن، گزارشی دربار مبارزه کارگران شرکت "اسران" ناسوسال مشهد و نیز چند خبر کارگری درج شده، در بر قسمت ها نسیب از مقالات این نشریه را نقل می کنیم:

هما نظور که در صمصه شماره ۴ "پیکان" شماره ۱۲ توضیح داده بودیم، عوامل مدیریت کارخانه برای منجر کردن ذهن کارگران از سودویزه و سرکوب اعتصاب کارگران، اطای رنگ کارخانه را آتش کشیدند... در حریان آتش سوزی و بعد از آن از طرف مدیریت سورا، سندیکا و عوامل نسیب سندا آتش سوزی را صبا بربر گرفتار آنچه تا ایمنده بود، حله دهند. آنها برای ح موت کردن آتش، هلیکوپتر و حود و ۶۰ ماسن آتش نسیبای آوردند. در صورتیکه واقعا برای ح موت کردن آتش به این همه وسایل اصصاح سودا طرف دیگر نسیب کارکنان آتش نسیبای کارخانه (ابرا هم متقی) نمانده که همکارانش بعد از سندن حصد آتش سوزی، سکنه کرده و متا سفا نسیب موت می کند، اما عوامل مدیریت برای سرک کردن موضوع آتش سوزی شایع میکنند که سراسیمه در حریان ح موت کردن آتش کشته شده است. آنها همجنس شمت بعد از ظهر را به منظور سرک کردن موضوع تعطیل

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



















بهبودن بیفتند ، تکنجه بیوندمالها زندانی بیوندمالها اعدام شوند ، بلی ، برای تا مین سلاح برای تا مین سلاح مبارزه با ضد انقلاب نمونه دیگر آوردن تعدادی اسلحه از بیروت بود ، قبل از حادنه شهر یوره بود که دوفرزا رزمندگان ، دوفرزا رزمندان ما در فردگا هبیروت بعلمت داشتن چند اسلحه که سلاح تقدیمی رزمندگان فلسطینی بود در آنجا دستگیر شدند ، یکی به یکسال و دیگری به یکسال ونیم محکوم شدند هر آن مکان این داشت که به سکنجه ها هم از رژیم ضد خلقی ایران تحویل داده بشوند . آری ، برای چه ، برای چندقیضه ، همان سلاحی

بهبودن بیفتند ، تکنجه بیوندمالها زندانی بیوندمالها اعدام شوند ، بلی ، برای تا مین سلاح برای تا مین سلاح مبارزه با ضد انقلاب نمونه دیگر آوردن تعدادی اسلحه از بیروت بود ، قبل از حادنه شهر یوره بود که دوفرزا رزمندگان ، دوفرزا رزمندان ما در فردگا هبیروت بعلمت داشتن چند اسلحه که سلاح تقدیمی رزمندگان فلسطینی بود در آنجا دستگیر شدند ، یکی به یکسال و دیگری به یکسال ونیم محکوم شدند هر آن مکان این داشت که به سکنجه ها هم از رژیم ضد خلقی ایران تحویل داده بشوند . آری ، برای چه ، برای چندقیضه ، همان سلاحی

بهبودن بیفتند ، تکنجه بیوندمالها زندانی بیوندمالها اعدام شوند ، بلی ، برای تا مین سلاح برای تا مین سلاح مبارزه با ضد انقلاب نمونه دیگر آوردن تعدادی اسلحه از بیروت بود ، قبل از حادنه شهر یوره بود که دوفرزا رزمندگان ، دوفرزا رزمندان ما در فردگا هبیروت بعلمت داشتن چند اسلحه که سلاح تقدیمی رزمندگان فلسطینی بود در آنجا دستگیر شدند ، یکی به یکسال و دیگری به یکسال ونیم محکوم شدند هر آن مکان این داشت که به سکنجه ها هم از رژیم ضد خلقی ایران تحویل داده بشوند . آری ، برای چه ، برای چندقیضه ، همان سلاحی

همچنان ادا مه پیدا کند ، اما ما هنوز که همه میدانیکه در شرایط کنونی شمار ما شعار ضد جنگ است چرا که هنوز توده های وسیعی از مردم ما نا آگاه هستند ، هنوز نسبت به ما هیبت هیبت خاکمه دجا توهم هستند ، هنوز بخش مهمی از کار ما کاسیاسی - تشکیلاتی خواهد بود ، ما بلانکیت نیستیم ، آنرا نیستیم ، نیستم ، شوده را را نبایسد در برابر هم قرار بدیم ولی اگر شعرا ضد جنگ می دهیم طبعاً تسلیم هم نخواهیم شد . هر کجا از طرف ضد انقلاب بیا حمله بشود هر کجا ، در کوردستان در گنبد ، در روستا ، در شهر ، مادر برابر آن ایستادگی میکنیم همانطور که خلق کرد

● برای مردم تجربه تلخ مجاهدین مشروطیت و تیر خوردن ستارخان قهرمان وفوت او و شکست انقلاب مشروطیت باید درس آموز باشد .

● امروز شما از داشتن سلاح در دست انقلابیون نگرانید ، باید هم نگران باشید . چرا که انقلابیون در برابر شما قرار گرفتند و میگردند شامه این سادگی انقلاب را داغون کنید . انقلابیون ما سلاح را مفت و مجانی بدست نیاوردند ما ندگفته و مجانی دودستی تقدیم شما نکنند . انقلابیون ما برای هر یک از اسلحه های خودشان خونپاشی دادند و طبعاً باید و خون هم آنها از دست نخواهند داد .

که امروز شما می خواهید مدت و مجانی از ما بگیری . نه ، نه میلیون بار نه ( جمعیت بسیار : نه ، نه میلیون بار نه ) نمونه های دیگری هست که برای خلق سلاح یک یا سون رزمندگان ما مانع شدند ، بر زمینگان و محاهدین علیرضا بهمتی و غلامحسین عالم زاده ، و در سال ۵۶ رفیق رزمده و بانجره ما ، کادری که ما سید چایی عطری ، درودریا ، و رفیقای ما حوره باررگان و میترتی حاموسی در مرز سرکبه و هانگیه سلاح حمل میگردند به آنها دست رسیدند ... و بدست همیجا خاطر های را برای رفیقای ما رها نمیکردیم ، میماندند که ما در جیبان هوا بیما ریائی اگر چه بیلا دوسه ماه وقت داشتیم و روی آن کار کردیم طرحی مختلفی را اعمال کرده ام سلاح طرحی ما لمت آمیر و نظامی بررسی کردیم ولی موسی بما خبر ندادند که برای دران و همزمان دستگیر شده ؛ می خواهند تحویل ایران بدهند که تنها ساعت وقت داشتیم ، بیست ساعت ، سلاحی که ما در آنجا در اختیار داشتیم یک رولور ۵/۶ ( ۳ ) بود یک رولور ۵/۶ و یک تفنگ خودکار . نمیدانم رفقای این اسلحه را دیده اند یا نه ، ما با چنین سلاحی مبارزه کردیم تا به امروز و طبعاً ما این

● ما بلانکیت نیستیم ، آنرا رشیت نیستیم ، توده ها را نباید در برابر هم قرار بدیم ولی اگر شعرا ضد جنگ می دهیم طبعاً تسلیم هم نخواهیم شد .

● اگر آن روزها ارتجاع توانست جمعیت های ملیونی را به خیابانها بکشد و نیروهای زیادی از مردم ما نا آگاه ما را بماندند جنگهای طبیی روی نه در دستان بکنند امروز بیستم که بطور مثال حزب جمهوری اسلامی تا چه حد رشکسته شده است و حتی در نظا هرات خیابانی حد اکثر بیش از ۵۰ نفر نمی تواند جمع کند و این نمودار پیشرفت انقلاب و آگاه شدن مردم ما است .

تجا دشمن هر کجا دشمن بما تھا حبکنند ما در برابر او تسلیم نمی شویم و شجاعانه نخواهیم جنگید ، در خا نمه با اردگیم آقا ی بنی صدر! نماینده ما لوس کا رو ریا کابور زواری! شما بنده هیبت خاکمه ، رژیم جمهوری اسلامی! مردم ما تسلیم شما و مثال شما نمی شوئند ، تسلیم ضد انقلاب نمی شوند و در برابر شما سرخاسته ماقتا و مت خواهند کرد ، مردم ما و نیروهای انقلابی ما منظور که گفتیم سلاح را با خون خود بدست آوردند ، با خون خودشان از دست خواهند داد ( کف زندنها ) مردم ما از سلاح همانند مردمک چشم خودشان در کنار انقلاب محافظت خواهند کرد ، مردم ما سلاح را برای انقلاب و ادا ما انقلاب از جان گرامی ترمی دارند . سلاح با بددردست مردم ما انقلاب بیون باشد ، ضد انقلابیون گور خورا کم کنند .

سلاح را از دست نخواهیم داد . ما برای بدست آوردن سلاح بیما ن خون دادیم و با خون هم آنها را از دست خود دادیم آقا ی بنی صدر! ( کف زندنها ) مردم ما بدست خواهیم داد ( کف زندنها ) می کنیم که خلق سلاح ، خلق سلاح نیروهای انقلابی یعنی خلق سلاح انقلاب .

**موضع مادر برابر خلق سلاح**

و اما موضعی که ما در برابر خلق سلاح موضعی که خلق ما رزمنا با پیدا شده باشد در برابر ضد انقلاب بنظر ما چنین است اگر چه خلق ما مبارزه کردند و به دلیل سازتکاریهای بورژوازی لیبرال نتوانستند به کسب و تصرف قدرت سیاسی برسند و امروزها منظور کمی نیستیم انقلاب نیمه راه و بلکه باید گفت در گام اول متوقف شده و ما بیاید انقلاب

امروز ارتجاع بخواهد توانست مثل روزهای گذشته مثل روزهای بعد از قیام مردم ما را بفریبند . اگر آن روزها ارتجاع توانست جمعیت های میلیونی را به خیابانها بکشد و نیروهای زیادی از مردم ما نا آگاه ما را بماندند جنگهای طبیی روانانه کردستان بکنند ، امروز می بینیم که بطور مثال حزب جمهوری اسلامی تا چه حد رشکسته شده است و حتی در نظا هرات خیابانی حد اکثر بیش از ۵۰ نفر نمیتوانند جمع کنند و این نمودار پیشرفت انقلاب و آگاه شدن مردم ما است . رفقا ، هر چه بیشتر در آگاهی توده ها بکوشیم ، رفقا ، بیما توده برویم ، کوش کنیم آنها را نسبت به ما هیبت هیبت خاکمه آگاه کنیم ، توده های ما که گمان می کردند هیبت خاکمه همان هیبت خاکمه ای است که میتواند به خواستهای آنها پاسخ دهد و در طول این یکسال کم و بیش توهم آنها ریخته شد ، هر چه بیشتر در ریختن توهم آنها کوش کنیم . رفقا ، امروز همچنان ما را ستاد رزمده پیرولتاریا ، یعنی حزب کمونیست ایران ، حزب طبقه کارگر محرومیم ، امروز همه باید برای بوجود آوردن این ستاد رزمده کوش کنیم و همانطور که گفتیم نیاز به کار وسیع سیاسی تبلیغی و افشاگرانه داریم ولی در کنار آن مادر برابر حمله ارتجاع تا هاجم ارتجاع تا پای جان خواهیم ایستاد . خلق سلاح محکوم است ارتجاع تا بودا ست ( کف زندنها ) .

● مرگ میریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران ، پیروزی ما مبارزات قهرمانان ما نانه خلقهای ایران ، برقرار ساختن جمهوری دموکراتیک خلق .

● جمعیت حاکم ایران دودر سردروانی نسبت سوا برزا احساسات می نمایند و بدین ترتیب سخنان اوپایان می یابد .

● اسلحه ایست از نوع اسلحه های کمتری با سببهای تهرانی ، اما بسیار کوچکتر .

بقیه از صفحه ۵  
هتدار به ...

از سالن ۳۰۹ ، یک نفر از سالن مندلی سازی ، هما نظوری که می بینید هیچکدام از این قسمتها به اتاق رنگ حتی نزدیک هم نیست و علاوه همکاران آنها در سالنهای خودشان تا دهها نفر کار میروند آنها در لحظه آتش سوزی بوده اند ، اگر همه چراما عصاب برادران ما را اخراج کرده اند ، که ما می برسیم آیا بعد از ۷۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار زخمی دادن هنوز هم مانند زمان شاه شاهان اعتصاب برای احقاق حقا ن غیرقانونی است ، اعتصاب حق مسلم ما کارگران برای گرفتن حقا ن از کارفرماست ، کارگران زحمتکش! امروزه نفرها به این اجتما سرا پا دروغ اخراج کردند ، فر دا که منافع کارفرما ایجاب کند به آنها نه ای دیگر نوبت ما خواهد بود ، بقول معروف اخراج شری است که دم در خا نه همه کارگران خوابیده است ، با پیدا اخراج کردن کارگران ما مبارزه کردیم بدینا مبارزه کردیم تا دیگران اخراج نشوند تا دیگران ما مبارزه کنند تا ما اخراج نشویم

برادران کارگران! آیا این درست است که در شب عبید ، شان هشت خانو را قطع کنند و ما سی تفاوت بیما نمیم ، آیا بجای یکما حقوقی که ما بدستونمان عیدی به کارگران بدهند ، آنها را اخراج میکنند؟ ما کارگران با پیدا حمایت از کارگران خارجی خواستار بازگشت هر چه فوریتتر آنها بشویم ، برای ابتکار اول با بدبدری سایر کارگران توطئه آتش سوزی و اینکه آنها را بدروغ به این عده نسبت داده اند افشا کنیم و در سالنهای برای با زکشت هر چه زودتر آنها را مدافع جمع کنیم .

**خلق سلاح خلق و نیروهای انقلابی خواست امیربالیسم و حامیان داخلی اوست**



## نقش معلم در انقلاب اخیر مین ما و نیز در قدام انقلاب در آینده

معلمان مبارز کشور ما نمونه‌های درختانی از این ستاره‌های فروزان شبهای تیره جهل و ناآگاهی دارند. نمونه‌هایی که در مقام پسر ما حبان زور و قدرت و دولت دست نشانده امپریالیسم جهانی، تا مرز شهادت و از جان گذشتگی پیش رفتند. در اینجا با یستی پساد معلم کبیر، رفیق صدبهرنگی را گرامی بداریم که در اوج فحان و محمدرضا شاهی فضای تیره و تاریک فرهنگ مینمان که بیشتر صدای زوزه‌گان دست آموز رژیم بگوش میرسد، با الهام از اندیشه‌های ظفر نومن ما رکسیسم - لنینیسم با کوله‌باری از کتاب و آگاهی و مهر و محبت به روشانی که جز روح و جسم و تا زین نه نظام حاکم، نصیبی نداشتند بهادتهای دور افتاده آذربایجان میرفت. اندیشه‌ها، خفاش و عملگر داجما عی رفیق "مد نمونه" مشرق هر معلم آزاده و فراتر از تمدنی است که عشق به خلق در وجود او همچون آتش زین نه می‌کشد. با یاد معلمین مبارزی چون بهروز دهقانی، مرضیه احمدی اسکویی، سرور آلابوش، فاطمه مینی، محبوبه متحدین و دهها معلم گمنام دیگر ما مهربانیم که هیجگاه روح انقلابی خود را اسیر تاقهای محدود و روشنگری ننمودند و در صحنه‌های مبارزه قهر آمیز علیه رژیم شاه شهید شدند و خون سرخشان را بعنوان شوق و شجاعت و شوقی برای راه مبارزه توده‌های تحت ستم هدیه کردند.

رفیق شهید حسن آلابوش از معلمین مبارزی بود که در سالهای محدود در دبیرستان کمال نارمک (۲) بدرخشید. او و عشق شدیدی به زمینکشان و کینه شدیدی به هیئت حاکمه مطلق و امپریالیسم داشت و هیجگاه خود را مقید و محدود به کلاس درس و چارچوب مطالب درسی نمی‌نمود. او همیشه در کلاسهایش برای تاگردان از مبارزه و مقاومت صحبت میکرد. او با اینکه در آن موقع دارای طرز فکر مذهبی بود ولی نسیمیک شخصیت انقلابی بود که در هر فرصتی در مدرسه و خارج آن به شاگردان کتاب و اعلامیه میداد و روحیه انقلابی را در دانش آموزان رشد میداد. او در دسترس کمال را اعمال لیسالی و فرصت طلبانه‌های مثل بدالله‌سحای (ورسر) مشاور دولت نارگان که با مصلحت خود سواد رژیم بود، بشدت سراسر بود و معتقد بود که نباید رسنگرد درسه برای آموزش فرهنگ انقلابی استغاده بود به برای روشنگری و برای آرمای انقلاب روشنگری و حق که "حس" به این معنا خودمان را دانت و پیکر است

به آن عمل مینمود. چهره مهربان و انقلابی او را نشانه خلق مبارز ما که او در راه آزادی آنها جان باخت، بلکه مخصوص شاگردان او هیجگاه فراموش نمیکندند.

رژیم منفرود پهلوی که معلمین مبارز ما را با شیوه‌های فاشیستی از اخراج و تبعید گرفته تا زندان و اعدام، تحت فشار قرار میداد بر حرکت پیروشی که در جهت گسترش آگاهی و راهائی از یوغ ستم سرما به داری و وابسته بود. لگام میزد ما معلمین مبارز ما در برابر این خودکامگی‌های رژیم هیجگاه از زبانی ننشستند. مثلا وقتی دکتر ابوالحسن خان علی معلم مبارز بدست مزدوران محمدرضا شاه در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۴۰ شهید شد معلمان به نظاهرات عظیمی دست زدند و سکوت ناشی از فحان دیکتاتوری عمال آمریکا را در ایران را با فریادهای حق طلبانه‌شان شکستند.

معلمین آگاه و ستم‌خیز ما که ما آنها تحت شرایط بد اقتصادی زندگی کرده و فشار سیاسی و مشکلات را بهر بیخ و خم مبارزه را با پوست و گوشت خود حس مینمودند، با صبر و حوصله و قلبی آکنده از عشق به توده‌ها، در کلاس‌های درس به دانشگرایان و چپا و لگربیمایی رژیم‌ناهنشاهی میگرداختند با نویسندگی و بخصوص نوشتن کتابهای کودکان که با زبان روشنی از زندگی ستم‌بار زحمتکشان وطن ما است، کینه عمیق خود را نسبت به هیئت حاکمه ضد خلقی به‌ناگردان خود منتقل می‌نمودند و این در حالی بود که مزدوران ساواک هر حرکت و اعتراض علیه رژیم را زدمنگاهای هراسان‌ساز می‌گرداند و هر صدای رزق را در کلوچه می‌گردید.

### معلم در کنار توده در میدان مبارزه

از سال ۵۶ سعدی آغا روگسترش حسش بوده‌ای خلق ما شاهد شرکت هر چه فعالیت معلمین ما را در انقلاب بوده ایم. با آغاز سال تحصیلی سال گذشته (۵۸ - ۵۷) و اوج گیری و رسد جیش فرهنگیان، آموزش و پرورش در صدد سرآمدن ما با وعده بهبود مدارس و حلال مشکلات معی - اجتماعی، حرکت انقلابی فرهنگیان را موعود سازد. دولت "آنتی ملی" سرافرازی می‌نخواست معامله کند و ما ما که کردیم حقوق و مزایا حسن فرهنگیان را برای منحرف سازد که خود را با ما آمریکا شناسان میخواندند، ما معلمان ما را که ما را معارف سیاسی و اقتصادی را بر دوشهای خود حس می‌نموده بودند ما را دادند که در کفریت سرتنگ

های رژیم حاکم را نمی‌خورند و این رفرمها می‌موزند نه هیجگاه نمی‌خوانند آنرا را با ما زبانی مزدوران رژیم بکنند. در تاریخ سوم مهر ما حقوق معلمان با زینست‌ها را افزایش دادند که معنی جرح سکوب دادن به بخشی از معلمین چیز دیگری نمیتوانست باشد. از زمان آغاز سال تحصیلی اعتبارات منظم و روبر شد معلمین و دانش آموزان شروع شد. لازم بذکر است که در شهران معلمین نواحی ۷ و ۱۹ کشت ارزنده‌ای در شکل گیری این اعتبارات داشتند. دیگر همه جا ما معلم و دانش آموز را در کنار هم در میدان مبارزه میدیدیم و این خود نشانگر رابطه رگانیک این دو قشر با هم بوده و نیز زمانه را زکامی سیاسی و آگاهی دهند. معلمین مبارز ما توده‌های دانش آموزان، چهارشنبه ۱۲ مهر ما در روزگانه‌ها میخوانیم که در دبیرستان پهلوی (ما سابقا) شان در نزد خورد ما موران انتظامی با دانش آموزان ۲۵ نفر دانش آموز مجروح میشوند. در بوکان یک محل ۱۶ ساله شهید میگردد، چندی بعد خون دانش آموزان دبیرستان ارشد تهران تو در کلاس درس جاری میشود. در بروجرد از زمان ۱۵ مهر اعتبارات بطرز مبهمی بقدهای عمومی شده بود. عده‌ای از معلمان ما با زبانی شهنشادستگیر شدند که به دنبال آن تحصن فرهنگیان در: دسرای شهر آغاز شد. راهپیمایی ۲۴ مهر ماه ۳ هزار نفر از فرهنگیان (عفو مجامه فرهنگیان) نشانگر هر چه بیشتر اعتلا جنبش فرهنگیان مینمان بود. خواهسته‌های توده معلمین از محدودیت مسائل و مشکلات اقتصادی و صنعتی به عرصه‌های سیاسی ارتقا یافت. بطوریکه با شروع دولت نظامی و جنبشکاران زحاری، خواهسته‌های معلمین انجمن حکومت نظامی در سراسر کشور، آزادی قلم و مطبوعات، تشکیل کانون مستقل معلمان، آزادی دانش آموزان و معلمان، زندانی، انحلال و احدهای حفاظت دادار از امت‌های و پرورش و انحلال مجلسین سوده‌تنگانی دیگری را در پیش پای رژیم گذاشت و چون دولت خود را قادر به کنترول فرهنگیان نسیمدید پس ناچار تعطیلی مدارس سراسر کشور را اعلام کرد. با اینکه مبارزه معلمین ما در این زمان دارای شکل و سازماندهی لازم نبود، اما اینحال بعضی حرکات نشودهای مستقل سیاسی خود را انجام داد. از آن جمله اجتماع عظیم معلمین در بهشت زهرا در شرایط حقایق پلیسی و سراسر اجماعی مشکل و مستقل در این دوره همزمان با روشدهندت مبارزات مردم‌جهان را رژیم ستم‌خیز ترسند. نظریه که در آن زمان ما در رومیه دستور فرماندار آذربایجان غری معلم مبارزی را با بستن به ما شنایش دوست که در چند روز بعد استاد مبارزگان مران نجات الهی در جریان حص استادن دانشگاه‌ها در اسامان وزارت علوم و پرورش مردوران امپریالیسم آمریکا شهید شد. جدیدی از معلمین سروحرد نام "نیات" همراهم مردم در حران یا شس کسند محمدها که شایسته‌ها ما مؤرین رژیم شهید شد.

(۲) - دسترسان کمال توسط عده‌ای از افراد مذهبی مخالف دیکتاتوری شاه (و به رسم سلطنتی) مثل مهدی نارگان، بدالله سحای در سال ۳۷ اساسی سولوی خراب کرد. آموزش‌های عالی مذهبی، آراشادکس کرد. بدکاس عمدا ر لیسالیها بودند، کابوسی شده بود برای بعضی معارفی که میخواهند حلی آرام و مبرماه (ا)وسی - در دسترس راه کسند. مثلا بدالله سحای (ورسر) مشاور دولت نارگان (حی برای اسکیراد همراک را را احب کند، عکس‌ها عا ش در حرم امام را را در افسار رده بود. با متلا آتای ناصر (عمسورای اعلام جمهوری اسلامی) که در کمال آزادی ما و اورا رت مؤرس و پرورش رژیم‌سازها می‌در رمنه سبه کباب - های در (طابوبی) همکار می‌ستند داشت.



مبارزات سیاسی معلمین مبارز و نظامیان به گذشته‌های دور و حتی بعد از انقلاب مشروطیت بر میگردد. در مبارزات ضد استبداد و ضد امپریالیسمی سده اخیر، معلمین مبارز بسیاری بودند که در مقابل خود سری‌های سلاطین قاجار و جاه طلبیهای طبقات حاکم و دخالت قدرتهای سلطه‌گروسیه تزاری و انگلیس قدری افرشته و پیوسته شور مبارزه و روحیه مقاومت و از خود گذشتگی را در دل و جان شاگردان خود و دیگر افراد جامعه زنده و روشن نگا میدادند. مثلا در زمستان سال ۱۳۰۰ شمسی هنگامی که اعتبارات کارگران ناشناسی و چاهخانه و کارمندان و کارگران پست تهران اوج گرفته و به هیئت حاکمه وقت فشار می‌آورد اما به لحاظ ضعف سیاسی - تشکیلاتی این صنف‌ها اعتبارات کارگران را تقویت کرد. در آن زمان بوسیله اعتبارات معلمین بهتر چه سیاسی ارتقا یافت. فقط اعتبارات معلمان مدارس ملی در زمان آخوند ۱۹۲۲ که ۲۱ روز طول کشید سراجام بصورت سیاسی در آمد و موجب سقوط کابینه قوام السلطنه شد (۱) در طول سالهای ۳۲ - ۲۵ و دمکراسی ناقص این دوره نیز معلمین مبارز در انقلاب ضد امپریالیسمی مردم ایران نقش آفریننده‌ای ایفا کردند.

با تحمیل فرهنگ وارداتی امپریالیستی که خود ناشی از تسلط اقتصادی - سیاسی امپریالیستهای جهانی بخصوص آمریکا و انگلستان میشد، سیستم فرهنگی ما بصورت یک کارخانه در آمد که با یستی ابزار و روش‌ها که ما شین سرما به داری و وابسته تولید کنندگان کارخانه‌ها و سرمایه‌های امپریالیستهای غارتگر بود. همواره فرهنگ تحمیل و تخدیر توده‌ها که از طرف رژیمهای وابسته تبلیغ میشود معلم و شاگردان را بی‌چهار خود میکند و آنها را مجبور به فراگیری مفاهیم "دانشگاهی" میکند که به تحکیم پایه‌های سرما به داری جهانی کمک کند، تا زحمتکشان این ارشدگان و محرومین تاریخ را به بند بکشند. حال اگر ساد زنجیر بردگی و شلاق و زور و آزار را بمنت خود در دوران استقرار نظام سرما به داری، خلسی مودیان نه تریویشتر ما نه تریا "ما شین" سرما به انجام شود. امپریالیسم جهانی که پیشرفته - ترین دستاوردهای خلق بشری را در راه غارت هر چه بیشتر خلقهای جهان به کمک میگرد. می‌کوشد برای رسیدن به مقاصدش از پوشش خوش آب و رنگ بنا مترویح "علم و دانش" استفاده کند.

در جامعه ما که شکل بندی اجتماعی - اقتصادی غالب نظام سرما به داری وابسته تشکیل میدهد، معلمین به پایگاه طبقاتی اش که عمدتا خرده بورژوازی است، در راهای نسک شخصیت دوگانهاست. بخشی اندک از معلمین ما تبدیل وابستگی، به منافع خرده بورژوازی مرفه و طبیعتا رشد خصوصیات بحرامی خرده - بورژوازی و سیز فزونی در گرداب لیسالیسم در کارزار ما زرمیس ر حمتکشان و مسکمران - به صف طبقات حاکم و نشننا صد انقلابی - پیوندند. در مقابل سختی دیگران را س صفت بنا به نزدیکی شرایط عیبی زندگی ما به ر حمتکشان جامعه و همجنس رسد سراط دهی آسان و داشتن امکانات کسب دانش سیاسی نظیر ر حمتکشان سیمکری می‌سازد. این سختی از معلمان به ر حمتکشان جامعه ما سز دادند و سبب و هسان ملیهم وضعی ر سب و در دستهای استوار کلاس درس سنوان سگری در ما زرمه عرومکان سرما به حیا می‌سازد. در عا به غلبه علامت حکم جامعه سرما به داری در ما زرمه فرهنگ فاسد و ضد خلقی سوزوئی، در ما زرمه علیه ستم‌طلبانی و صد حاکم در جامعه و بطور کلی در ما زرمه علیه سرما لیسمد و پیشروپایگانها حلی آن یعنی ستم - استفاده می‌کند.

با ریح مبارزات ضد امپریالیسمی

(۱) - اساماناری سولوی خراب کرد - طابوبی

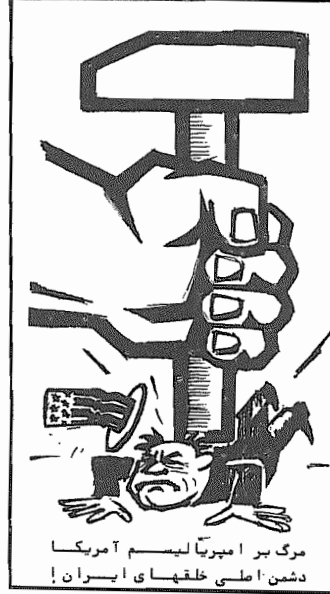


# فئودالهای مسلح به دهقانان یورش میبرند

این سه مرد در آن شب بدهد برمی گردند مطمئن بوده اند. هنگامیکه توسط افراد مسلح به آنها ایست می دهند، آنها متوجه توطئه میشوند و به طرف یکی از روسا های اطراف فرار میکنند ولی در وسط راه اتوموبیل را گذاشته خود و راهی بیابانهای اطراف می شوند. دونفر از افراد ذکر شده شب خود را بدهه میرسانند و ماجرا را برای مردم شرح می دهند. اهالی بی از خبردار شدن از ماجرا با دلس و بیلب و جوب دستی برای دستگیری مهاجمان و پیدا نمودن فرد سورا می بیابانهای اطراف میشوند. افراد مسلح به مردم نیز حمله میکنند. درگیری تا ساعت ۱ بعد از نیمه شب ادامه داده می شود و بعد از آن افراد مسلح متواری میشوند. چند نفر از مردم که راهی کرج شده بودند، با مراجعه به "اداسرای انقلاب" از آنها می خواهند که کمک آنها بشتابند. ولی آنها ظفر رفته و بالآخر پس از اصرار رزبانها از مجبوری - نما پندگی برای آگاهای از چگونگی جریان راهی محل شوند. و چون افراد مسلح متواری شده بودند آنها به نصرت آنها می روند. نجمی را با زداشت می نمایند. درباررسی از خانه نجمی در نصرت آباد سه قبضه ۳، سه عدد کلت و حدود دوهزار فشنگ بدست می آید. فئودال آرزوروستا ثانی دهات اطراف نیز کسه از ماجرا مطلع شده بودند، سیل شکایات ونامه های خود را برای دادخواهی تسلیم "اداسرای انقلاب" کرج می نمایند. ولی با کمال بیشرمی و وقاحت بدون توجه به شکایات مردم و حمله مسلحانه آنها مده توسط این فرد، دادسرا و در روز دوشنبه ۱۳/۲/۵۰ آزادی می نماید. و در پاشخ روستا ثانی که بر سر آمده بودند: "حالا حق ما هیچ، جنایتی که ۴۰ سال بر ما روا داشته هیچ، شما از واسلحه غیرمجاز زگرفته اید، چرا ورا محاکمه نمی کنید؟" دادسرا پاسخ می دهد که: "با هنوز دستور خلع سلاح نداده ایم!"

آری، رژیم جمهوری اسلامی السلحه بدست سرما بدهد ارا و فئودالها میدهد. ولی در مقابل خواستار خلع سلاح توده ها است تا این سرما بدهد ارا و زمینداران بسزرگ راحت تر بتوانند به جنايات خود ادامه دهند.

این فرد که از عوامل سرسپرده رژیم سابق میباشد، نسبت خویشاوندی نزدیکی با سپهبد خواجه نوری معدوم دارد و به گفته روستا ثانی پس از قیام ما فرا بسیاری از اعمال ساواک را در آنجا بنا میهدا و سپس موجبات فرار آنها را به خارج از کشور فراهم نموده است



در تاریخ دوشنبه ۱۴ اسفند هالی روستای محمدآباد و دولت آباد واقع در بخش سا و جیلان کرج نا هدیورشی مسلحانه عمل فئودالهای منطقه بودند. رژیم جمهوری اسلامی نیز با صحت گذاشتن بر این منسلح فئودالها با ردیگر ماهیت واقعی خود را در عمل به روستا ثانی مینماید. ما نشان داد. روستا های محمدآباد و دولت آباد در بخش سا و جیلان در حومه کرج قرار دارند. نصرت آباد، که متعلق به فردی بنام نجمی (م) می باشد، در نزدیکی این دو روستا واقع است. این فرد با حدود ۴۰ سال سابقه جنت پیک از کشف ترین عناصر شناخته شده در منطقه می باشد. نجمی با نفوذی که در آنجا برای سرگوبگروزم سابق داشت بخش اعظم زمینهای منطقه را از جنگ دهقانان بیرون آورد. وی بخشی از زمینهای غصب شده را تحت عنوان شهرک بیلابی کورش فروخته و اکنون نیز حدود ۸۰ هکتار زمین مزروعی در اختیار دارد. این فرد در اداه متجاوزات پیشین خود بر این می شود که بار دیگر به حقوق دهقانان تجاوز نماید. ولی اینبار با مقاومت روستا ثانی مواجه میشود. روستا ثانی که خود قدرت جلوگیری از تجاوزات این فرد را نداشته "اداسرای انقلاب" کرج شکایت می کنند. پس از دوندگی های زیاد با لآخره دادسرا نجمی را برای تحقیقات بیشتر احضار می نماید. جلوی در دادسرا کارگری که قبلا در مزرعه او کار میکرد و بدون دریافت حقوق اخراج شده است، طلوی نجمی را گرفت و خواستار حقوق معوقه خویش می شود. و در این حال ماهیت کشف این مزدور را برای مردم که در حال گذر بوده اند توضیح میدهد. مردم چون واقعیت را می شنوند، نجمی را در جلوی دادسرا ندانند. نتیجه می نمایند. این حرکات سرنجمی گران تمام میشود. او می گوید که: "من چهل سال در این منطقه حکمروائی کردم، هیچکس حرات نداشت به من بگوید با لای جنت انبروت" ولی "حالا این بدبخت ما مراد دادسرا می برند و بیشرمی را بدی می رسانند که نخا مرا کت هم میریزند" این دهاتی ها جرات این کارها را ندارند، حتما کسی آنها را بر علیه من تحریک کرده است " همه این کارها زبردست معلمهاست ". او به پسرش وعو مل وابسته بخود دستور می دهد که چند نفر از افراد آگاه و فعال ده مزبور را تعقیب و آنها را شبانه به قتل برسانند.

در تاریخ دوشنبه ۱۴ اسفند حدود ۸۰ سب پسر نجمی به همراه ده نفر مسلح در مسیر محمد آباد دوما تین راه را بر سه نفر از اهالی ده می بندند. البته عمل مسلح قبلا از اینکه ه - نام یکی از کاندیدها را که "اسفاقا!!" بیشرترین رای را هم آورده است (برومند) روی قطعه کاغذی جاب کرده و بدست افرادی سواد که مجبواستند را می بدهند، داده میسد (فتو کپی بی از این قطعات کاغذ را در زیر ملاحظه می کنید).

و - تبلیغ توسط اما مجامعت در مساجد: در اغلب مساجد اطراف حوزه های اخذ رای شب قبل از رای گیری توسط ائمه جماعت آن محل (مانند مسجد سجاد، مسجد جامع و...) برای یک یا دو کاندید با بطور متخفی (برومند و کلهر) تبلیغ شده بود. ز - در مساجد ما مخپینی (یکی از مراکز مهم رای گیری) صبح ساعت ۸ یکی از کاندیدها (کلهر) بعنوان "اینکه تمیخواهد نطق کند!" بلکه فقط میخواهد "چند کلمه صحبت کند" تسلیحات لازم را بجمع آورده بود. اینها گونه بسیار نا چیز از شیوه تقلب و استفاده عوامل ارتجاع در حروبان استخا با ت بود، بدون شک بهنگام شمارش آراء استفاده های اساسی انجام گرفته است

ساحر در کرد بخوبی می تواند نشان دهد که چکسانی چنین فوایی را صوب کرده و احرا میکنند. سخو دسب سواری انقلاب مجازات های خون عدا میرا دهقانان سی که ارضی زمین داران را تصرف میکنند، به نصوب میرسانند. یکی از خواسته های دهقانان زحمتکش مالکها بدهی های بوده است که در املاحات ارضی تا بهنفع مالکین برگرد آت آن گذاشته شده بود. ببینیم دولت موقت چگونه به این مسئله برخورد می کند: سر - برست گل بانک کشا ورزی استان کرمان در مصاحبه ای با خبرنگاری پارس اظهار نمود که "آن عده زکشا ورزانی که تاکنون بدهی قبضی املاحات ارضی گذشته را نپرداخته اند از بهره دیرکرد معافند و فقط باید اصل مبلغ را بپردازند!"

همچنین برخورد بدینی صدر، رئیس جمهوری تا سبب یافته اسلامی، این لیبرال اصلاح طلب با مسئله ارضی قابل توجه است: بنی صدر توجه دهقانان بی زمین را از زمین های دایر مزغوب زمین داران بزرگ منحرف کرده و متوجه زمین های خنک و سا بر میکند. او در یکی از مصاحبه ها و مطبوعاتی خود می گوید: "مسئله زمین کشاورزی هم منظور نیست (!) وقتی قرار باشد ۴۰ میلیون هکتار زمین دیم و آبی را زیر کشت ببریم به هر کس که زمین بخواد میتوان و انگار کرد. بنا بر این اگر دولت از همان آغاز می گفت زمین کشاورزی فراوان است و هر کس که خواهد آن کار را بدارد اختیارش قرار میگیرد این کشت و کشتا را در روستا ها برسر زمین بوجود نمی آمد". واقعا جای تاسف است که چرا شیوع این زود تریه کمک "حل" مسئله ارضی نتواند!

طبعاً سیاست چنین دولتی در مقابل جنبش دموکراتیک دهقانان نمی تواند چیزی جز سرکوب توده های دهقانی باشد. این سیاست بویژه در مناطقی که سورا های دهقانی در مقابل دولت خدا بقلائی بیک فدر واقعی و بیک "دولت موازی" تبدیل شده اند، با وحشیانه ترین سرکوب و کشتا همراه بوده است.

- (۱) - نظیروا مبانک های کشا ورزی، شرکتها و تعاونی، سلف خرا و ...
- (۲) - جالب است که اخیرا اعلام میشود که زمین های وسیع خود وزیر کشا ورزی سابق توسط دهقانان فارس مصادره شده است.

بقیه از صفحه ۸  
سو استفاده ...  
تقلب و سو استفاده ها به یکی از چند وجه زیر یا ترکیبی از آنها صورت گرفته است.  
الف - فریب و خیا ننت به افراد بسواد: موارد بسیار زیادی دیده شده و برد بسواد نامیک کاندیدی انقلابی و بایک کاندیدی گمنام بر آمده است ولی توسط کسانیکه در آنجا آراء می نوشته اند، بنام "برومند"، "کلهر" و... تمام شده است.  
ب - سرکشی به ورقه های رای و سیمپاشی در همانجا: این عمل به اینصورت انجام میشده که فرد هنگام رای نوشتن از طرف افراد معلوم الحال مورد تفشش عقا بقدر قرار می گرفته و اگر مثلا نامیک کاندیدی کمونیست با مجاهد را در ورزه ای می نوشتند با گفته میشده که این فرد کمونیست است، مطمئناً نیست ...  
ج - در یکی از حوزه های رای پلاکاردی و بیژان بوده که در آن نوشته بودند: "به کاندیدها ای پیکار، هدا می، ما همدین رای ندهید" و هنگامیکه رفتی ای هوا دار نمود عکسبرداری از این پلاکارداشته اند، حضرات متوجه شده و آراجمی می کنند.  
د - در چندین حوزه ده ها نشی جلودر هسای حوزه های اخذ رای تجمع نموده و اسم کلهر بسا برومند را به کاندیدها می که هیچگونه شناختی نسبت به کاندیدها ندارند، دیگر ندانند می گفتند!

بقیه از صفحه ۷  
در باره فرم ...  
به مسئله ارضی در جنبش دهقانی را مورد بررسی قرار دهیم.

در حالیکه پس از قیام جنبش دموکراتیک دهقانان برای مصادره زمین ها هر دم اوج تازه ای می گرفت، شورای انقلاب بعنوان نهاد قانون گذاری "انقلاب اسلامی" هر از گاهی با تصویب لویای بنفع زمین داران (از جمله قانون رفع تصرف عدوانی معروف به قانون هیئت ۵ نفری) جانب زمینداران بزرگ را گرفته و توده های دهقانان را با چماق قانون تهدید می کرد، از سوی دیگر ارتش، کمیته های محلی و سپاه پاسداران نیز در عمل به سرکوب دهقانان پرداختند. محمدعلی ایزدی وزیر کشا ورزی دولت موقت در مصاحبه ۵۸/۷/۱۹ خود بیکلی منکرو وجود فئودالیسم در تاریخ ایران می شود می گوید "من فکر نمی کنم هیچ وقت چنین چیزی در ایران بوده باشد که بخواد هلال و موجود داشته باشد". آقای وزیر در مورد مالکیت چنین اظهار نظری کند "نامی گوئیم مالکیت از آن کسی است که زمین را احیا کرده و این چیزی است که ما می گوئیم. در قانون مالکیت موقعی که شورای انقلاب گفت باید بدبصره بگذاریم تا حدود مالکیت مشخص شود، اما م قلم کشید و گفت در اسلام مالکیت حدودی ندارد". وی سپس می گوید: "با گذراندن قانون رفع تصرف عدوانی معروف به قانون هیئت ۵ نفری و بعد از صدور اعلامیه ها و دستورالعمل های لازم به ادارات کشا ورزی کشور تا اندازه ای تا مین شده و از بی نظمی ها و تعرضات عدوانی اشخاص طماع و متجاوز جلوگیری میکند".

وروش است که منظور جناب وزیر از افراد طماع کسی جز دهقانان زحمتکش نمیباشد (۲). در لایحه ای که وزارت کشا ورزی به تصویب شورای انقلاب و دولت رسانده، قرار شد زمین های کشت و صنعت و زیر شها را خود تصاحب کرده و به اشخاصی که بتوانند قطعات بزرگ را اجاره کنند و انگار رنما بدور هم نمود می دهد که کسی که زمین بهایشان واگذار شده می توان بدبصورت مزارع و یا انواع قرار دادهای دیگر با زراعت زمین را کشت کنند (اطلاعات ۷ مهر). می بینید که دولت خدا بقلائی چگونه خیال تقویت و تحکیم مناسبات قرون وسطائی مزارع را در سر می پروراند.

قانون موسوم به "قانون زمینداری و احیای ارضی" که بسویله دولت بازرگان تدوین شده و به تصویب شورای انقلاب رسید، آئینه تمام نمائی است از سیاست های هیئت حاکمه در مورد مسئله ارضی. در این قانون زمین های قابل واگذاری فقط زمین های بیرو ارضی موات (ارضی طبیعی بیهره - بردار نشده)، جنگل و بیبشه طبیعی! شناخته شده است. به عبارتی دیگر ارضی زمینداران بزرگ مشروع و قانونی است. در تبصره ۲ ماده ۱۰، قانون مقرری سازد که "دولت می تواند ندبه مالکیتی که داد و طلبا نه سهم اختصای املاک خود را به زراعتین محل منتقل نمایند در جای دیگر از ارضی موضوع این قانون برای احیاء و انگار رنما بد". در ماده ۱۳ و ۱۴ نیز قیمت زمین های واگذار شده که با بسبی بد دولت پرداخت شود، مشخص میشود. در ماده ۲ این قانون نیز روابط ظالمانه ای بسون مزارع "قانونی" شمرده میشود. هما نظور که ملاحظه میشود "قانون زمین داری" دولت بازرگان هیچ فرقی با قوانین محدرضا نمی نندارد و حتی این قانون فاقد خلعت یک فرم بیوروشی است و عملاً نه فقط روابط سرما بدهداری و زمینداری بزرگ در کشا ورزی بلکه همان روابط کهنه و بسویله نظام متو دالی نیز مشروع شمرده میشود. جریا تا سو استفاده های کلان که چندی پیش در ۱۰۰ وزارت کشا ورزی و وزارت بازرگان



باز هم ...

افروزا و در صورت خلق که صرفاً در خدمت اهداف امپریالیستی بوده است بیجان حسدی از وقاحت رسیده در روزهای اول پس از قیام بهمین اولین حرکت علیه نیروهای انقلابی کمونیست را در دهانگه تهران انجام داد و با راه انداختن یک داروستانه لائوز و مرتجع خواستار برچیدن مراکز انقلابی شد که سالها در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه مبارزه کرده بودند.

حمله به ستاد مچا هدین خلق در خیابان ممدق، رهبری حملات ضد انقلابی علیه تظاهرات مجاهدین خلق و خانواده های شهدا در داد - کستری و اقدامات مشابه دیگر از سرگردهای دیگری بین کاندیدای حزب جمهوری اسلامی است.

### علی محمد بسارتی جمهوری

اینویکی دیگری زکا ندیدای های حزب جمهوری اسلامی است و قرار است سرازندو ق شهرستان جهوم بیرون آورد! او در دوره خلفا پس از ۱۵ خرداد، معلم عقب مانده ای بود که از مبارزه سیاسی در حد بسیار محدود و محلی هم هراس داشت و دل خود را به تشکیل انجمنهای مذهبی دانش آموزان و تشکیل مجالس مسئله گوئی و روضه خوانی خوش میگرد. او بر خلاف سندیست آمده از ساواک که او را عضو مجاهدین میدانند، هرگز نه عضو مجاهدین خلق بوده و نه حتی هوادار آن! پس از سال ۵۵، چون همشهری مجاهد شهید حسن ابراری و بیجه محل او بوده برای مدتی دستگیر میشود اما مضعفای فاشی که از خود نشان می - دهد او را به دامان ساواک میاندازد. پس از آزادی از زندان به همکاری با ساواک مشغول مشغول قضیه برای کسانی که اوسر و کاردار استند مضمی می ماند.

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در سیاه سالها سارا را مقامی کسب نمیکند و همدست با محمد غفری کننده رنحای خود را با دستگیری فرزندان آیت الله طالقانی نشان میدهد این جز اولین افتخارات او است! او با استعاده از موقعیت سارا و در دهان خود را به آنطور که او نموده (یعنی ما مورا ساواک و دشمن انقلابی) بلکه فردی بسیار نزدیک به آیت الله خمینی معرفی میکنند و عکس خود را او را تکمیل کرده پس این و آن میگردند سارا سابق گذشته اش رویشود! او مدتی هم برای مسارت کت معالین در سرکوب خلق قهرمان کرد با دادش یک پست دولتی به کردستان مسرود (هما نظر که محمد عمری به استناداری جور - سان منصوب شد) حالا با استعاده از مسارت "حرب فراگیر" جمهوری اسلامی، با اتحاد خود سارا حناقی آمیزد در شهر جهوم و ساواک - مرتجعینی که در سرکوب نیروهای انقلابی و سوطه علیه مردم مبارز، رهبر احداثی در دهان خود دارد میسکند خود را کاندیدای سنا بیدگی مجلس کرده است.

اسا دهجا رصفهای صمیمه، اساکرانه ر - ارتاست که سوسویج سارا شده است. سارا - ر - ات بوده های رحمتکش خلق اما چندانی به آن حرب و عملات سوا همداد دوه ر سار لهدان خواهند افکند.

\*\*\*

آنچه گفته سمدسی است نمونه خروار آن حرب را چنین کاندیدای سارا است. و چه سنا "مجلس شورای اسلامی" اما با سارا سیر حبیبی کاندیدای سارا است. اما مسلماً انقلاب بوده ای و خوین طفلهای ستمدیده سارا را نظامی دیگر، مجلسی دیگر، حوسدی دیگر و رهبری طبقه ای دیگر سارا!

پس رو با دنیا راب سارا سارا میرا لیبسی - دموکراتیک طبقه ای ایران، نه رهبری طبقه کارگر در راه سراسری جمهوری دموکراتیک خلقی

مقدمه بخلق عرب ایران

## سرودهای پیوسته برای

# یوتما

امروز خسته بودم یوتما!  
امروز خسته بودم.  
صبح که آمده بودی  
می دانستی خواب نیستم  
اما صابم کردی،

تکانه دادی یوتما!

## فرماندهان مزدور دری شناسائی و دستگیری پرسنل مبارز نیروی هوایی هستند

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران (اداری، آمار،

به نهرست گیرندگان مراجعه شود

در باره آمار پرسنل اقدام سریع

۱۹-۳۴،۸-۱۰۰۱

بفرموده دستور فرمائید صورت اسامی و مشخصات کامل

پرسنل آن یگان را که در تحمین دانشگاه شرکت داشته و دارند

و همچنین صورت اسامی محرکین شناخته شده رانان تاریخ ۱۳۵۸/۱

باینما و نت ارسال دارند.

معاون اداری فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ ستاد فو قاتی

گیرندگان:

فرماندهی (هدانده هوایی، جستجوی هوایی، پشتیبانی مرکز،

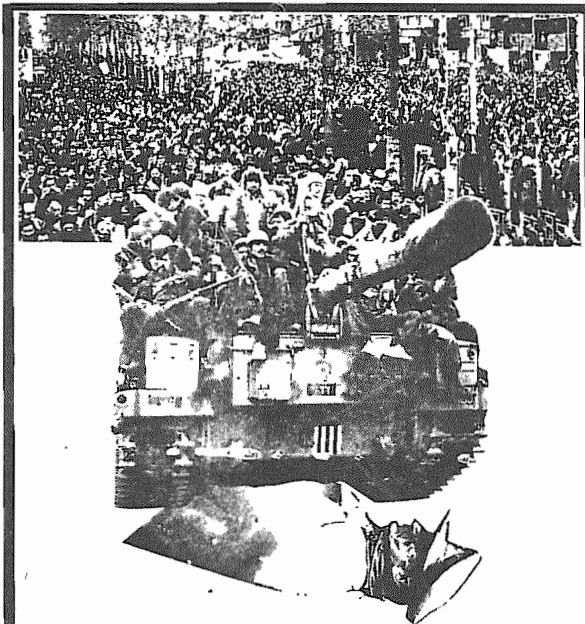
آموزشهای هزنی، ارتباط و الکترونیک، پایگاه یکم تنکری،

پایگاه یکم ترابری جهت آگاهی و هرگز نه کار پایسته.

هنگ هوایشناسی، گروه اطلاعات و شناسائی، بیمارستان مرکزی

جهت آگاهی و هرگز نه کار پایسته.

حاج دومستوم ساسی که از طرف سازمان سپهبد است، مستتر  
سد، لازم سدرگرا است که در اس حاج سرحی اطلاعات لازم عمل آمده است.



سومین سالگرد  
قیام مسلحانه خلقهای ایران  
۱۳۵۹  
1980-1981

سازمان یگان در راه آزادی طبقه کارگر

این مطلب در نشریه "پیکار" به شماره ۴۲، اسفند ۱۳۵۸، درج شده است.  
سازمان یگان در راه آزادی طبقه کارگر  
چون این مطلب در نشریه "پیکار" به شماره ۴۲، اسفند ۱۳۵۸، درج شده است.

صدای تو  
چشم را به سقف سپاه پیلپی (۲) و دیوارهای حصری  
کشود

صدای تو  
تمام راه در کوشم بود  
صدای نورا هارا در اتر ترکرد.

☆  
نمی دانم چه وقت خواستید  
یا دم هست که تو بیدار بودی  
یا دم هست "خلیمه" را شیر دادی

و خوابا ندی  
چقدر شیر تو برایش لازم است  
چقدر شیر تو برایش عادی ست.

شیر تو  
هیچ وقت تمام نمیشود یوتما!

مثل بمبوی (۳) سرلین (۴) های احمد آباد است  
مثل بمبوی سرلین های احمد آباد  
با این تفاوت که از بمبوی شوسطل سطل آب گرفت  
اما

شیر تو  
قطره قطره می آید.

اگر می توانستی مثل بمبوشیر بدهی  
هر صبح  
در کوچه های شرکتی (۵)

فریادمی زدم  
- آئی شیر!

شیر تازه!  
شیر یوتما!

همیشه زنی های هستند که غم فشنکی پستانها پشان را  
داشته باشند.

☆

لفظ یکبار بگو!

لفظ بگو "خلیل"!

خواب من سنگین نیست.

چطور بگویم که من هیچگاه خواب نبوده ام

همیشه اما

حواب دهنده ام:

کسسه های سرج

کسسه های آرد

روغن، نخود

لوبیا  
یوتما!

همس خواب دیده ام

حواب هر چیر که سوا ند

داعی اعصاب را

اربابی برهه مان بگردد.

☆

هسکن بدر را بنهرا رونومی شاحب

وهسکن بنهرا رونومی نوا سدیگودونی بدر مرد

ما جهر پیر بر سدسم

آه ...

یوتما!

یوتما!

یوتما!

☆

مردها را سارا رسی کند.

☆  
امروز خسته بودم یوتما!

بوهم خسته بودی.

سوره هسکش هوروری دسما مان ده است (۶)

شیر تازه یوتما!

همسدر بنیای هسندکه عمه، فسکی پستانها سارا

داسه سانسد

سنا سب را دردها ن خوابم بگدار!

بقیه در صفحه ۴

(۱) - مادر (در اصل عربی سانا ماه = مادرم!)

(۲) - حسی

(۳) - فشاری آب

(۴) - کوچ

(۵) - منظور جمله ها شب که محسوس کارکنان ترکب  
صفت است.

(۶) - رنهای عرب، غیرا رهروشدگی حرما وسبب -  
رمینی و بیا و ... در سارا، گاه سیر تنور میساختند  
وروی سرشان در شرمی گردا بندد.

# برای انقلاب نیمه تمام



# هنرمقاومت هنرپرولتاری

## لنینیسم در هنر

لنینیسم در هنر، مفهوم تمرکز هر چه بیشترتها چه پرولتاریا علیه بورژوازی است. "نمادگر" از این نظر که با هنر، به مثابه یکی از وسایل آگاهانه سیاسی و ویژه خویش در زرادخانه پرولتاریا، جایگاه و مقامی درخور می یابد و به پرولتاریا انقلابی یاری می-کند که مبارزه نقشه مند خود را علیه همه جوانب نظام کهنه، از جمله علیه ایده های بورژوازی از هنرگسترش دهد. لنینیسم در هنر، به پرو-لتاریا کمک می کند تا در انجام امر آزادی، از هنر بطور آگاهانه جهت برای تکلیف حسی آشتی ناپذیری، جهت بیدار روشمندی و رنجش عواطف کینه توزانه نسبت به همه جوانب جامعه طبقاتی در میان طبقات استعمار شونده، بهره برداری نماید و به نفع و زیان آنها، از شناختی درونی نسبت به روحیات و کیفیات طبقات گوناگون برخوردار شود. لنینیسم در هنر به معنای ارتقا، هنر به مرحله ای عالی تر، به مرحله برخورد مشخص ما-کسیستی با مقله زبانی شناسی، به معنای ارتقا، هنر و ادبیات از زبانی لینیستی خود بخود، به بخشی از فعالیت حزب کمونیست در راه انجام امر رساندن رسالت تاریخی پرولتاریا، در راه سرنگون کردن نظام فرسوده بورژوا-زی، در راه دگرگون کردن جهان، در راه پیشبرد امر انقلاب است. آری لنینیسم اجتماعات است که درست به سبب سنت و تجارب تاریخی خود، دیدگاهی با موفقیت اوها خود را می گسترده و سیاب آشفتنگی و تزلزل رامیان طبقات تحت ستم و ناپیدا نگری انسان فراهم می آورد. جای تعجب نیست که تمام آن روشنفکران ترس خورده از پرولتاریا، تمام آن روشنفکران بیگانه از مبارزه طبقاتی پرولتاریا، تمام آن روشنفکرانی که فعالیت ذهنی خود یعنی آفرینش هنر و ادبیات، را به مثابه یک قابلیت شخصی، در "مالکیت خویش" احساس می کنند، بزدلی و ناتوانی شان را در پیدوندن آنها فرسایا توده ها، در پشت نظر آنها تحقیر آمیز نسبت به لنینیسم در هنر پنهان دارند.

اهمیت لنینیسم در هنر، بویژه در تطبیح پرولتاریا به آموزش مارکسیستی در این حوزه، از فعالیت اجتماع است. مارکسیسم در دوران اولیه زندگی خویش که درگیر مبارزه ای سخت علیه ایدئولوژیهای غیر پرولتاریا بود، نمی توانست بدون حاصل مسائل اساسی فلسفی، اقتصادی و سیاسی خود را استحکام بخشد. از این رو مارکس و انگلس با تشخیص وظایف پرولتاریا بکار گرفتند، و علیرغم تسلط شیوع آمیز خود به درک قانونمندانه زبانی شناسی و آثار هنری که از زلال آثارشان قابل درک است و اثر آفرینی های بیوانسانسان تا آثار ریاضیات و دیگر پدیده های هنری معاصر، شان را در برمی گیرد، کوششی در جهت تدوین و بیان قانونمندانه های ویژه هر وسیله ارتباطی با جنبش پرولتاریا بعمل نیاوردند و همه توان خود را به استحکام مباحثات نظری انقلابی یعنی مارکسیسم در هنر، به مثابه فلسفی، اقتصادی و سیاسی اختصاص دادند. لنینیسم در هنرگسترش مارکسیسم است با حوزه هنر، لنینیسم در هنر بیان احکام دایمانه لنینیسم در زمینه هنر و تعمیم نوع ارتباط آن با جنبش کارگری بطور مشخص است.

جنبش کارگری، بطور مشخص است. او از همین زاویه است که اندیشه های لنینی در هنر بر چیزی استوار نیست جز ما رکیسم. لنینیسم در هنری که رگیری سلاح نیرومند پرولتاریا یعنی ما رکیسم است با حفظ تمام مولیفات آن، مستقیما بر برداشتهای عمومی ما را با لیسمدیا لکتیک در رابطه با پدیده های معنوی و مادی استوار است. برداشتهایی که در خدمت تغییر انقلابی جهان قرار دارد. از این روست که مخالفت با اندیشه های لنینی در هنر، نهایتا راه بنفهی اصول مارکسیسم میبرد. مبارزه با لنینیسم در هنر بطور آشکار و پنهان چه بسا وسیله نماندگان بورژوازی، و چه بدست آید ای نقابداران، یعنی روبرو نیستیهای رنگارنگ هدفی ندارد در جریدها فکدن به آموزشهای مارکس و انگلس در زمینه مبارزه طبقاتی و دیکتاتور پرولتاریا. جز به فراموشی سپردن مارکسیسم - لنینیسم.

اما بدلیل آنکه لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریا است، بدلیل آنکه هم اکنون مبارزات پرولتاریا و زحمتکشان جهان و مبارزات طبقاتی تحت

ستم به مثابه بخشی از انقلابات جهان است پرولتاریا علیرترین مراحل رشد خود را از سر می گذراند و توفانهای انقلاب راهی بخش جهان را به لرزه افکنده است، بدلیل آنکه مارکسیسم - لنینیسم تنها سلاح راهی و تغییر انقلابی جهان، در دوران کنونی محسوب می شود، هیچگاه تفکرات کهنه و قسا و تحولات، ما به تنهایی توان ندارند که ما را به لنینی رادری کل و بطور خاص در زمینه هنر مغلوب سازند و آنرا بدل به ایده های کهنه کنند. بدین جهت اینک که ما درگیری از مراحل حادث مبارزه طبقاتی در جامعه مان هستیم، اینک که از هر سوطی که گوناگون مجزبه بر سر نهادهای سلاح های خویش با هم میدان پیکار و مرگ و زندگی نهاده اند، اینک که پرولتاریا ما برای رهبری مبارزات ضد امپریالیسم - ضد ارتجاعی دنیا زبه تجهیز خویش با آیدیه ترین ابزار مبارزه در همه زمینه ها دارا قدرتات خویش را پیروز نموده اند، ما موظفیم پرچم دفاع از لنینیسم را در همه زمینه ها جبهه تمرکز هر چه بیشتر مبارزه علیه دشمنان طبقاتی پرولتاریا برافرازیم.

### ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر

روبیونیستیها و پارتوونیستیها، از بارف و با کد انفع گرفته تا تروتسکی و دنباله روان حلف آتان روبرو نیستیهای مثل لوکاس کلانته، بلاتی، موزرانه، فرخ داده اند تا و نمودها زنده که گویا اندیشه ادبیات حزبی، اندیشه ای و امپریالیسم، درکی ناصحیح و تحریفی جب روانه از جانب "دکما تیست"

لنینیسم در هنرگسترش مارکسیسم است تا حوزه هنر، لنینیسم در هنر بیان احکام دایمانه لنینیسم در زمینه هنر و تعمیم نوع ارتباط آن با جنبش کارگری بطور مشخص است.

اینک که پرولتاریا ما برای رهبری مبارزات ضد امپریالیسم - ضد ارتجاعی، نیاز به تجهیز خویش با آیدیه ترین ابزار مبارزه در همه زمینه ها دارا قدرتات خویش را پیروز نموده اند، ما موظفیم پرچم دفاع از لنینیسم را در همه زمینه ها جبهه تمرکز هر چه بیشتر مبارزه علیه دشمنان طبقاتی پرولتاریا برافرازیم.

ماست. آنان بر این حقیقت که نه تنها با اس کل سیستم مارکسیسم - لنینیسم بلکه حتی از طریق رجوع مستقیم به دستاوردهای لنینی می توان اثبات نمود که این ترزا حمل مبارزه ایدئولوژیک سرخاسته لنینیسم در جریان مبارزه برای پیروزی و ساختمان سوسیالیسم بود است، برده می افتند. و با کینه توزی و قنات - آمیزی به نشر ایده های منحط خود ادامه می دهند. اکنون می کوشیم بطور مشخص با رجوع به دستاوردهای لنینیسم به این مسئله پاسخ گوئیم.

لنین در شماره ۱۲ "نوا یا ژین" در سال ۱۹۰۵ نوشت:

"ما انقلاب سیمه کاره، همه ما را محصور نمیکند که همه چیز را اس سکیلاسی تا زه دروس کنیم، امروزه ادبیات حزبی

### طی تظاهراتی در تبریز جنایت ارتجاع محکوم شد

روبره سه ۱۴ اسفند به مساجد اعراض نیکه شدن یکی از دانش آموزان ( داود ) امیر احمدیان ( سربریکه چند روز قبل به دست سپاه اوش و اراذل غداره بنده و شلیک افراد کمینه سوی مردم، زخمی شده بود، یک را همیشگی در سطح شهر برقرار شد. این راه - پیمانگی که توسط دانشجویان و اراذل زمان های سیاسی محتلف و از جمله ما زمان

ولی جهاک، نگاه کن! صدای سکس و استوار قدمهای انقلاب میآید انقلابی که برتا به پیش برچی سرخ ورا ستین در اهتزاز است، و در پیشا پیش توده های کبهه پیش میآیند کسی که رهمه فریا ده بلنده تراست کسی که هیچ بیم و هراس ندارد کسی که به گلوله بسته میشود اما نمی میرد کسی که می گویند آینه زان اوست، به پیش می آید. کسی که با قاضی استوار در پیشا پیش انقلاب به پیش میآید کسی که تا پیش پرولتاریا ایران است کسی که با خون خود بر دیوارهای میهن من وتو می نویسد و آنچه را که می نویسد در زمین قدمهای انقلاب فریاد می زند: زنده باد آزادی! زنده باد استقلال! زنده باد انقلاب دوباره! ۲۰ بهمن ۵۸ (ک)

مطالسی که بطور علمی منتشر میشود یا از نوع حزبی باشد، باید ادبیات حزبی شود. ( تا کیدا زمانت )

دشمنان لنینیسم در هنر، با همه اینها، زخموره های ابلاحت آمیز خود را سرمی دهند که گویا در اینجا منظور لنین از ادبیات، نشریات حزبی است. اگر چه، در حقیقت مفهوم مورد نظر لنین از ادبیات، حوزه ای بر مراتب وسیع تر از هنر را در برمی گیرد، اما هرگز نتواند که پارتوونیستی مدعی آندوسمی - خواننده این وسیله تلقی انقطاعی و لیبرالی خود را در افکار پرولتاریا، رخسار دهند، منظور لنین از "ادبیات حزبی" تنها نشریات و مقالات سیاسی ... نبوده بلکه ابوطور عام، زدهیات، از همه انواع کار ادبی که هنر را در برمی گیرد حرف می زند، چنان که در همان مقاله ها کید می کند:

"... ممکن است که این عبارت مهممل و توهین آمیز باشد. ممکن است که یک روشنگر بر حرارت طرفدار آزادی فریاد برآورد که می گوئید، می خواهید بر آثار ادبی این موضوع ظریف و دقیق فردی کنترل معنی وضع کنید. می خواهید که کارگران برای اکثریت دربار علم فلسفه و زیبایی شناسی ( تا کیدا زمانت ) تصمیم بگیرند."

می بینیم که راهی برای مخالفت با ادبیات حزبی، یعنی لنینیسم در هنر با قسی نمی ماند، مگر آنکه شرمگینانه، از تاثیرات زبانی این ایده لنینیسم به مخالفت بر - خیرند و علم مخالفت با لنینیسم در هنر، و در اصل علم مخالفت با مارکسیسم را برافرازند. اما چرا مخالفت با این ایده بطور مستقیم و غیر مستقیم نفی مارکسیسم در اصول است؟ ادامه دارد ...

بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر، سازمان داده شد و با استقبال وسیع مردم پرور شد. راهیما بیان شاعر میدادند: "محل مبارز! قسم بخون پاکت، راهها را مدها رو" و "بگفته بشی صدر کشور آزادیه، مردم قضاوت کننید، کشتن دا و چیچه؟" ...

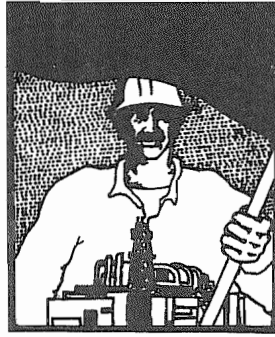
نظاره کنندگان علیرغم خلال غسارده بندان جمهوری اسلامی، بعد از حدود ۴ ساعت راهیما شمی قطعنا همه های خود را خوانند. لکن این مزدوران چماق بدست، بیگانه نشسته و با استفا ده از فرمت مناسی که دست داده بود، دعا ترگوهرهای دانشجوئی را به آتش کشیدند.

گرامی باد ۲۹ اسفند سالگرد ملی شدن صنعت نفت

# ملی شدن صنعت نفت یکی از دستاوردهای بزرگ خلق ماست

نگاهی به تاریخچه صنعت نفت ایران

نفت بمعنای ماده اصلی سوخت و تولید انرژی در جهان از اهمیت بسزایی برخوردار است. این اهمیت از یک سو در اثر بالا رفتن مصرف آن و از سوی دیگر در اثر زیاد مواد مشتقه از آن در رشته های مختلف صنعت روزبه روز افزون ترمی کرده، از آنجا شیکه امروز بخش عمده تولید نفت جهان را تعدادی از کشورهای تحت سلطه برعهده دارند، و کشور ما نیز در ردیف نخست این کشورها قرار دارد، تا ریخچه نفت ایران با مبارزات خدایمیرا - لیستی خلقهای میهنمان پیوندی ناگسستنی دارد. هرچا خلقهای میهنان اقدامات ضد امپریالیستی شان را پیش برده اند تا دستاورد آنها در غارت این منابع جلوگیری نمایند و ضربات سنگینی از این طریق بر امپریالیسم وارد آورند، دولت های فدخلقی نیز از حراج این ماده حیاتی هیچوقت غافل نبوده اند. وجود منابع عظیم نفتی در میهن ما باعث شده که بخش وسیعی از کارگران در این رشته بکار پردازند، این کارگران را تبدیل ویژگی ها و اهمیت این رشته و سابقه و قدمت آن از آگاهی بالایی برخوردارند. استعمار بربرحمانه، خوراک رشنا سان کشورهای امپریالیستی غرب، مشاهده غارت آنگران این منابع توسط امپریالیسم و وجود تبعیضات سی شمار، همه و همه زمینه های مستعدی برای رشد آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران صنعت نفت می باشد. کارگران نفت و مبارزات آنان حای بس مهمی در میان طبقه کارگرو جنبش کارگری و انقلابی میهن ما دارد. کارگران صنعت نفت همواره در پیشاپیش مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و مبارزه خلقهای ایران علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی وی قرار داشته اند. در اهمیت نفت در عصره مبارزاتی ایران همین بس که در زمان حکومت ملی مصدق و پیش از آن شاعر "ملی شدن نفت" توده های وسیعی از مردم را علیه امپریالیسم و کارگزاران داخلی وی بسیج می نمودند و ارتقا آگاهی سیاسی خلق ما و در بردن آگاهی مدامپریالیستی درون توده ها نقش مهمی داشت. واگذاری صنعت اسرار حراج نفت به خارجیها و شرایط آن بیشتر به فاسد ساسات دارت و اوصیب. اس شرایط چنان سودگرنی برای هسنت حاکم انگلیس سر حشرت انگیز بود. دولت وقت ایران در پیش از مدال بسش نسبی در روشیه سال ۱۸۷۲ بحسین امنا ز راه عمال انگلیس واگذار نمکند. چگونگی این فرار داد که "وطن فروشی" هیئت حاکمه وقت را معنی ا دمنی کلمه به ما پیش می گذارد. در کتاب "انقلاب مروطب ایران" مفلط اوساف چنین آمده است:



ایران در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیره استرلینگ حاضر شده که اداره همه کمراکات کشور را مدت ۲۰ سال به "رویتر" واگذار کند و نیز متعهد گردید که در آینده امتیاز تشکیل بانکها و ساختمان راهای شوسه، خطوط تلگرافی و فابریک و کارخانه ها و غیره را در سویت اول به او بدهد دولت ایران موافقت کرده که قطعات اراضی مورد نیاز را مجا در اختیار روبریتر گذارد و نیز کارگران لازم برای موسسات او را تامین نماید.

این قرارداد را واگذاری کامل و خارق العاده تمام ذخایر صنعتی کشور به خارجی می نامند. درباریان نیز از این قرارداد بدختم می آیند. مردم که جای خود دارند. در اعتراض داخلی و حکومت تزاری روسیه، شاه لغو این امتیاز را به همراه اعلام می دارد. بعد از لغو این "حاکم بخشی" نوبت "داری" است. در سال ۱۹۰۱ بقول ابوالنف دولت ایران بکمک فریبکاری و تهدید و رشوه مجبور میشود امتیاز بهره برداری انحصاری از مناطق شمال را در مقابل مبلغ ناچیزی به داری واگذار نماید. صاحب امتیاز موظف بوده که مبلغ ۲۰ هزار لیره استرلینگ آن هم پس از شروع بهره برداری تقدماً به دولت ایران بپردازد. با سرتهجات صاحب امتیاز از زمین قماش بوده است.

" برای بهره برداری از این امتیاز، اولین شرکت در سال ۱۹۰۳ تشکیل شد. ولی در سال ۱۹۰۹ شرکت انگلیس و ایران نام حقوق و تعهدات ناشی از امتیاز را از شرکت اولیه خریداری نموده، خود عهده دار گردید." (۱)

وزارت دربار داری انگلیس پس از آنکه

● واگذاری نخستین امتیازات استخراج نفت به خارجیها و شرایط آن بیشتر به فاسد ساسات داشت. این شرایط چنان بود که حتی برای هیئت حاکمه انگلیسی نیز حیرت انگیز بود.

● دولت ایران در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیره استرلینگ حاضر شد که اداره همه کمراکات کشور را مدت ۲۰ سال به "رویتر" واگذار کند و نیز متعهد گردید که در آینده امتیاز تشکیل بانکها و ساختمان راهای شوسه، خطوط تلگرافی و فابریک و کارخانه ها و غیره را در سویت اول به او بدهد.

بی به اهمیت اقتصادی و نظامی نفت برد، با سرکنی که امتیاز داری را در اختیار داشت وارد مدار کرده، تصمیم خریدها شرکت بربروکرت. بعد از این ما حراس که دولت انگلیس سهامدار اصلی شرکت نفت انگلیس و ایران می بود. از همان اوان، در اثر فروشی نفت به صاحبان ازل دولت انگلیس، سهم در پاسی ایران طبق قرارداد ناشی می آید. بعد از گذشت چند سال قرارداد داری مورد مخالفت هیئت حاکمه وحسی سرخی ارمناصر انگلیسی سر برار گرفت. اس اختلافات

در ادامه همین موضوع، کتاب خاطرنشان می سازد که تخمین منابع روبریتر بمیزان تعیین شده و معافیت صاحب امتیاز از پرداخت کسوف عوارض گمرکی داخلی و خارجی و در برابر همه اس امتیازات روس فقط موظف بوده که ۱۵ الی ۲۰ درصد از سود حاصلی موسسات مورد امتیاز به دولت ایران بپردازد. ا سوا بعد واگذاری این امتیازات به روسیه، سعی واگذاری تمام مبرویهای طبیعی کشور را مدت هفتاد سال به انگلیسها، بسبب فروش کردن کورمی نامند. لرد کرزن که کار



منجر به مذاکراتی شد که از سال ۱۹۲۹ تا سال ۱۹۳۱ ادامه داشت. در ماه ژوئن ۱۹۳۲ که بیلان شرکت نفت برای سال ۱۹۳۱ منتشر شد، معلوم گردید که حق امتیاز دولت ایران نسبت به سالهای گذشته به میزان فاحشی تقلیل یافته است. شرکت نفت فاضول تقلیل عایدات را منزل قیمت نفت در دنیا و رقابت نفت روسیه با نفت جنوب معرفی میکرد. در صورتیکه حقیقت امر چنین نبود. زیرا محصول نفت جنوب در سال ۱۹۳۰ که یک میلیون و دویست و هشتاد و هشت هزار لیره با حق امتیاز دولت ایران داده شده که حدود ۵/۷۹۷/۰۰۰ تن بوده و حال آنکه در سال ۱۹۳۱ که حق الامتیاز به سیمدهفت هزار لیره تقلیل یافت محصول نفت جنوب به ۶/۵۴۰/۰۰۰ رسیده بود." (۲)

علت این امر کسب میلیتی تحت عنوان حقوق روسیه ای اولیه و میلیتی نزدیک به یک میلیون لیره بابت مالیات بر عایدات (!!) به دولت انگلیس گمر شده بود. به دنبال این ماجرا است که حتی سرپرندگان رژیم اعتراض می کنند و در نهایت قرارداد لغومی کرده. عقد قرارداد جدید که در سال ۱۹۳۳ منعقد شد با وساطت رخا خان شوکارا انگلیس که در آخرین لحظه ها انجام گرفت کاملاً جریبان مذاکره را بنفع دولت انگلیس تمام کرد.

دکتر مصدق در نطق مشروح خود در بخشی از سخنرانی خود در مورد قرارداد مذکور گفت: "... و تا تاریخ عالم نشان نمی دهد که یکی از افراد مملکت بویون خود در یک معامله ۱۶ بیلیون و ۱۲۸ میلیون ریال ضرر زده باشد و شاید ما در روزگار زیاد کسی را که به بیگانگی چنین کند!" (۳)

و بعد از توضیح آن در نتیجه گیری از جزئیات قرارداد چنین می گوید:

"... لذا سبب ای سببیت که لغو امتیاز داری و بعد از آن در شرکت نفت جنوب که دستنورس رخا ناها حاکم گرفت، حواد با ساسی میلی و حواد را تر حیل و اسناد داری (که همه این مفاات خبیثه و بیش از اینها را این مردک داشت بیکار)، در حال نه زمان ملت ایران و بسود استعمارگران بوده، امپریالیسم انگلستان را در تشدید تاراج هستی ملت ما و عار و مسامع یعنی کشوره میزان و مدت رسا داری آرا دکداست (۴)

سعدا ز سقوط رما جان و پیدایش آزادی - های دموکراتیک در جامعه، افکار عمومی خلق ما بیشتر متوجهت خود افا گریهای رورسا مه های آزاد حواد در بالا بردن آگاهی های مردم در اس دوره نقش مهمی داشت. دولت ما در سال ۱۳۳۳ در حوا مشمول سار ش با امپریالیسمی انگلیس و مرا سه و درسی حساب به منافع مردم بود. ولی آنچه که از اس موضوع جلوگیری کرد آگاهی و حساسیت مردم و افکار گریهای روز ما که آزاد حواد اریکسوا روسی دنگرسسسیا دوروی در مورد امتیاز صنعت شمال سودگرت مریکاشیها و انگلیسها را برای حسی کردن آن محسور صاحب کینه سوکران ما عدد سو روا گسادی صنعت با رخی هارا بدهد.

۱- گذشته حراج راه آمده است  
۲- همان منبع  
۳ و ۴- همان منبع

همه ا شده بیکار میسر نمیشود  
سائل محدودیت مکانات برای  
سازمان در اسام معدن سو رو بیکار  
سازمان سو رو بیکار  
سازمان سو رو بیکار  
سازمان سو رو بیکار

# در تائید هشداری که داده ایم

علاوه بر این ما با زنجیر و سنج و سواران -  
المسلمین در سوریه بیوزنه در سیرهای حما و  
حمص (شمال سوریه) با دگر دگر روزهای ۲۲  
۲۳ اسفند حالت تک تورش وسیع را بیخورد  
کرده بود. اینکه ما تحرک اخوان المسلمین  
را در سوریه محکوم می کنیم نه در دفاع از  
رژیم صدامتقلاتی حافظ اسد بلکه برای افساد  
و محکوم کردن نیروهای است که میکوشند با  
اسما ده و قضا دهنده های ستمدیده عرب با  
رسم اسد و منال آن، رژیمهای ارتجاعی  
مذهبی را با بهریزی کنند و تا ریخ منطقه را  
تا لیا سعف برانند. اخوان المسلمین و  
گروههای مشابه، مستقیماً از سوی آمریکا و  
سعودی حمایت شده و میشوند.

پیروزی نزدیک است. دشمن هر اندازه: لحاظ اسلحه  
نیرومند و آبروی باشد، ولی چون بر مسائل تسکینه دارد،  
سرانجام ناپدید خواهد شد. شاه خائن هم تنها بر قدرت  
اسلحه تکیه داشت و برای همین خاطر بود که سرنگونی  
خفت بارش جهان را به حیرت انداخت.

## رهبر «اخوان المسلمین» بقتل رسید

دشمن - خبر لاریون و تیراندازی - منابع دولت سوریه دیروز نشان  
ساختند بسم آملوت رهبر گروه اخوان المسلمین هفته گذشته  
توسط یک پارس راهنمایی بقتل رسیده است.

ما در شمارهای متعدد بیکار تحریرات  
ارتجاع در سوریه منطقه حاروما نرا که این  
با رمنخصاً زیر سرپوش اسلام صورت می گیرد  
افشا کرده، رابطه این تحریکات را با امپری-  
یا لیسم آمریکا افشا نموده و سبب بهیابا مد-  
های آن همدار داده ایم. در شماره قبل تحت  
عنوان "اسرائیل و ارتجاع عرب از حرسه  
ایران درس می گیرد"، انعکاس تحریکات  
ارتجاعی و خطرات آنرا برای جنبش فلسطین  
برسر بردیم و ارتباط بین حزب جمهوری اسلامی  
و اخوان المسلمین و دیگر گروههای ارتجاعی  
منکوک در کشورهای عربی و پاکستان و غیره  
سخن گفتیم. انکد دو خبر را که روزنامه مسیح  
جمهوری اسلامی در پنجم ۲۳ آخوند چاپ  
کرده و گفته ها را ما را نشد می کند ما ویریم:

### اسلام در قلب اسرائیل

بطوریکه از فلسطین اشغالی خبر می رسد، ۱۸ جوان  
در اردوگاه پناهندگان فلسطینی نورالشمس واقع در  
شمال بخش غربی رود اردن بجزم تشکیل یک جنبش  
مذهبی دستگیر شدند. امپریالیسم و صهیونیسم از  
همه گیر و جهانی شدن انقلاب اسلامی به وحشت  
افتادند. سختگویی پلیس اسرائیل علت این بازداشت را  
تشکیل جنبشی به تقلید از انقلاب اسلامی ایران ذکر  
کرده است. روزنامه گان فلسطینی پیش از پیش به اهمیت و  
تفشی مذهب در مبارزات سیاسی آگاه شده اند و بهین  
دلیل برادران ما در فلسطین اشغالی اکنون به مبارزات  
خود با دستهای از اسلام و دستورات نجات بخش آن  
آگاه می دهند. بوعضت افشان دشمن و فدا رت روحی  
برادران مسلمان ما در فلسطین نشان می دهد که صبح

### ارتقاء مقام باقری

## این است پاسخ بنی صدر و چمران به پرسنل مبارز

کفتلا در محدداتنکا و تحمن کرده بودند یکی  
ارحوا سندها سان سرکناری ان فرمانده  
حما تنکا روسر بریده آریا مهری بود. ا. سرو ز  
درما می تا دگا بها و در سن سما می برسسل  
منار رسرویی هوا نی ارا نی سمسار تاهسنا  
به عنوان تک عنصر لیندا مبرده میشود. اما  
چمران ما موافق نمی مدرا ویست دیگری  
سربا حفظ سمت منلی مندها آری ان است  
معنی رسدکی رشن جمهوری در مورد خواست-  
های پرسنل مبارز!

اس عکس که توسط درجه داران مسلمان  
تا سکا هیای بیژان "اسما ریافته سمسار  
باقری فرمانده سروی هوا نی رادر حال دست  
سوی و نجهسها کام! سان مدهد، سمسار  
باقری این اصهار را سردار دگر در لاهی  
۲۱ و ۲۲ با شماران غیابنا رفرارین عده  
رادی ارموطان ما را کما ر کرده و بهمنی  
ما سب اردت ساه ساه مدال اشخار کرده است.  
در حداران و پرسنل منا رسرویی هوا نی

### ارسوی وزیر دفاع ملی و نا حفظ حق فرمانده نیروی هوایی، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری شد

عبدالکریم اسیر بانی فرمانده نیروی  
هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ارسوی وزیر دفاع ملی  
و عضو پارلمان و برابری نا حفظ سمت به رئیس سازمان  
هواپیمایی کشوری برگزیده شد. حکم انصاف نانی شرح است.  
سید - لشکر انجمن باقری  
در سر خط اسامی حاضر برای حل مشکلات موجود -  
- منار هواپیمایی کشور بعد از مشورت با وزیر راه و  
- درین و تک اجاره رزم جمهوری - جاهای برانین  
- کاری و جوانانی منار خود به سبب ریاضت سانسال  
- هواپیمایی کشوری نا حفظ سمت فاش صورت میشود.  
- به عقب سبب - مثل منتهه دران مسئولان حاضر و  
- روزنامه



# سلاحهای چمران و امل سینه فلسطینی ها را می شکافد کمک هیئت حاکمه ایران به جنبشهای آزادیبخش، یعنی چه؟

واضاحتی های متعدد دیگر.  
حبربر که در اطلاعات ۲۳ اسفند ۵۸ چاپ  
شده، هم خطرا مل، چمران و اسناد او را برای  
جستش انقلابی منطقه بیوزنه انقلاب فلسطین  
نشان میدهد و هم ما هیت با سلاح کمکی که  
هیئت حاکمه ایران به سلاح حبسهای  
آزادیبخش میکند بر ملا می سارد.

**ژدو خورد خونین مردان امل با گمانهای افق**  
بیروت - آسوشیون پرس - در ژدو خورد خندیدی که در  
پکنته بین گمانهای افق و جنگجویان شمس مذهب  
۱۹ روز در بخش جنوبی بیروت در گرفت دست کم سه تن  
کشته و هفت زخمی شدند. این بزرگه هنوز دلیل آن اعلام  
شده است از نیمه شب برین آغاز شده است.  
علاوه بر این درگیری خونین اسراسر ریش بر نطق  
منطقه بیروت صدای آنچیز پب و سفین کارله شنیده  
میشد.

آیا این اسناد خنده نوده های سمدیده  
ما از انقلاب حوسین خود است یا ردا سندها اند؟  
آیا نوده های اسلحایی ما صامت خواهد داد  
که فلال خلق فلسطین حمان در اسرا ن  
سر سکا را سد و کسنا را های بیسنری که  
نموسا س را در کردسان، فارسا، ترکمن  
صحر و غیره دیده ام ادا مدهد؟  
چمران و امل دست در دست اسرا شل سه  
مثل عام خلق فلسطین مسعولند با اسرا سان  
آمریکائی خود "مدعی" کرده اسد.

رژیم جمهوری اسلامی، تاکنون سروصدای  
زیادی در مورد کمکی که به جنبشهای آزادی -  
بخش جهان می کند، بر اه انداخته است. ما  
همواره این ادعای دروغین را افشا کرده و  
صریحاً و بطور مستند گفته ایم که ایران (به  
جنبشهای آزادیبخش جهان، که هیچ) به  
جنبش فلسطین هم که امروز اول با گرفتن این  
رژیم بظا هم رود حمایت بوده، کوچکترین  
کمکی نکرده است.

علاوه بر اینها ما بارها گفته ایم که ایران  
نه به جنبشهای آزادیبخش بلکه به ضد انقلاب،  
به گروههای دست راستی و مرتجع منطقه مطیر  
امل کمک میکند، تا آنها به انقلاب فلسطین  
ضربه بزنند.

ما بارها چمران و ویاندا و افشاء کرده  
(برای نمونه به بیکار ۱۵ مورخه ۱۵ سرداد  
مراجعه شود)، ارتقا سرتجاعی و ضد  
انقلابی سازمان امل که دست پرورده موسی  
صدر و چمران است محبت نموده و خطرات آنرا  
برای جنبش انقلابی فلسطین و جنبش ملی  
مترقی لبنان بر سر مرده ایم. در شماره ۳۳  
مورخه ۱۹ آدرما دنوشتم "امل برخلاف ادعای  
چمران و وطنبا شنی، سلاح خود را سمسار  
فلسطینی ها! و ساسرا شیل نشانه رفته است"



اندک محک بخاور کارانه علیه سروهای سرخی لسان و انقلاب فلسطین و اسارما مبارک فعالانه امل ا

**دستگیری  
کاندیدای  
انقلابی  
آبادان**



### راهپیمایی درجه داران مبارز در تهران

رئیسده ۵۸/۱۲/۲۳ درجه داران نیروی  
سی سده ست را سمسار در حمان آزادی  
سبب دستگیری ۳ اسما سندگان مبارز  
- سمسار به ای اسراسام، اسوارسانی و  
اسوار سندی، اسما س و حواسا آزادی نیروی  
آر سده، اسان دیلاکاردهای که حتمل  
می شود حواسا، سرکاری فرمانده عمل درود  
ارسی و ساطره اسما س را مدیر ارتش  
سا و سمسار برتری که دروغیانی فراوانی  
را ارتطبی را دو سولوسرویس علیه سرسل  
ما را رسانده است که در سده، اسان صحن راه  
سما نی اعلامه های ناامای در حداران  
مسلمان و سمسار ارتش جمهوری اسلامی  
ایران بر سر سر مسکرده اس را سمسار  
نا اسفال و سمسار سردمدار و کسب  
سنان حواسیای سرخی نظامان مبارز  
سده، فرار گرفت.

روز سمنه ۱۲/۲۳ رفسی فرج اللس  
دسما سمراد س س دگر دون دلسل  
در آبادان دستگیر شده و اعترضه سار -  
داس سمود، سفا مات منلی، رزمنا سکونه  
احمال سنان سده اند که خود علیه سار س  
افدام سمسار سد و کسب دون سح دلسلی  
آبهارا سارده س می کسد  
اس سوح اسما س آسهم سده - ره سسل  
ارزای کنری سفا س حرج صفت تک فاسد  
انقلابی در سفل سسکار سار اس سس  
سی اس اسما س در جمهوری

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست





ومی برده نهادار کوشی آن سردار دارد، واسی است آن مسئله اساسی ای که سازمان ج. ف. ج. از برخورد صریح و روسی با آن کزبران است.

این سازمان در تمام دوران تکامل سیاسی و اجتماعی مطرح صریح این مسئله اساسی انقلاب ظهوردهنده است. آنها بدرستی برخورد با سودی نظام بر ما به داری و این مسئله میگذرد بر آن اصرار می ورزید. آنها در تمام سلسله و سطوح احزاب، حرکات سیاسی و سیاسی موجود، بطور روس و صریح برخورد با سودی و به سرکشدن طبقه مسلط اقتصادی یعنی سرمایه داری و این مسئله را مطرح میسازند. اما ما را از این جا فراموشی نماند، حتی در آنجا که میگویند مسئله اساسی انقلاب است و این مسئله را باید که این مناره طبقه ای در روند حرکت خود برای سرکوشی طبقه مسلط اقتصادی، با کادامی دولت، نه مفهوم مارکسیستی - لنینیستی خود با کادامی قدرت سیاسی، دیگر خواهد بود؟ گذاردهای سیاسی، در مسیر حرکت انقلاب راه را از سودیها خواهد بست؟

انقلاب سیاسی، به معنای هر طبقه انقلاب اجتماعی، از همه حراتی عبور خواهد نمود؟ مسأله طبقه ای در حوضه انقلاب حرکت برای رسیدن به هدف عاظمی خود، از حرکتها جدا نیستی عبور خواهد کرد؟ اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

معنای این مطالب آنها در رابطه با ساختار سیاسی و جمهوری خودکوفتهای ایران در میان سوری است که میان خلق ما و امپریالیسم جهانی و با کادامی حاکمیتی آن یعنی سرمایه داری و این مسئله ایران در جریان است

جمهوری مسکوت شده: معنی ما سرمایه داری است که با ساختار سیاسی و جمهوری خودکوفتهای ایران در میان سوری است که میان خلق ما و امپریالیسم جهانی و با کادامی حاکمیتی آن یعنی سرمایه داری و این مسئله ایران در جریان است

معنی ما سرمایه داری است که با ساختار سیاسی و جمهوری خودکوفتهای ایران در میان سوری است که میان خلق ما و امپریالیسم جهانی و با کادامی حاکمیتی آن یعنی سرمایه داری و این مسئله ایران در جریان است

سازمان ج. ف. ج. بدرستی میگوید: "همانگونه که راه اصلی و درستی سرنگ کردن شاه و نظام شاهنشاهی است، همانند آنکه سرنگ کردن امپریالیسم جهانی و سرنگ کردن امپریالیسم آمریکا را از ایران سرنگ کردن است، این دو موضوعات در کنار هم و با هم مطرح میگردند. اما چگونه؟" اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

آنها به تمام این موضوعات در کنار هم و با هم مطرح میگردند. اما چگونه؟ اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

آنها به تمام این موضوعات در کنار هم و با هم مطرح میگردند. اما چگونه؟ اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

روبروی سیستم می کشد اما آنچه که این سازمان را قادر میسازد تا در این مسئله اساسی انقلاب، یعنی موضوع قدرت سیاسی مسماست و آن را از طرح صریح و بدون اینها مسئله میسازد. دند - گاه روبروی سیستمی و راست روانه آن است نسبت به قدرت سیاسی موجود و آرایش طبقاتی و سیاسی جامعه است. این دندگاه "در تمام حرکات و سنا سناهای روزمره و سایر سنا سناهای عمومی آنان خود را نشان میدهد. اما آنجا که مسئله قدرت سیاسی در این مورد مطرح میسازد، این مسئله را در مورد سیستم به معنی ما میسازد - اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

ساجی که در رویکرد سیاسی از انقلاب مسخر میشود، اینها سئوالانی است که فداشان با ساجی به آن می دهند.

سنا سناهای برای درک احزاب اساسی قوی ما چارچوب اندکی به رسته های آن سردار رسم و سلسله مواضعی را که فداشان را به مسکوت گذاردن این مسئله اساسی و مدارد، بطور دقیق مورد بررسی قرار داده و آنرا سنا سناهای آن را در برخی سنا سناهای روزمره آنان نشان میدهد.

**"واقعیت" خرده بورژوازی مرفه سنتی به اوج میگردد که در عرصه مبارزه طبقاتی "پیوند خود را با منافع طبقاتی معین محفوظ دارد" تا از اقتدار سیاسی اش در عرصه قدرت سیاسی محافظت نماید.**

**فداشان را سنا سناها به دفاع از رژیم بر خیزنده بزم آنان جناح غالب آن ضد امپریالیسم و مترقی است، چرا که چنین دفاع آشکاری فداشان را بطور کامل در جبهه رفرمیسم و ریزینیسم جای می دهد.**

## ۲- چگونه سازمان ج. ف. ج. هیئت حاکمه را به دو بخش "خوب" و "بد" تقسیم میکنند؟ و چگونه این تقسیم بندی متافیزیکی، منجر به مسکوت گذاردن "قدرت سیاسی" میگردد؟

برودون و "خوب" و "بد" در اقتصاد! (دولت به معنی م. ل. آن) روی کار آمده پس از تمام، یعنی دولت بورژوازی را، به دو بخش تقسیم میکنند، "جناح ضد امپریالیسم" و "جناح ارتجاعی و اینها سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

سازمان ج. ف. ج. در کمال اخیر (پس از تمام) هجده سنا سناها را به دو بخش تقسیم میکنند، "جناح ضد امپریالیسم" و "جناح ارتجاعی و اینها سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

اما ویژگی سنا سناها و ویژگیهای سیاسی این سازمان در این بوده است که معنی مواضع آن یک جهت بر روی را طی میگردند است، بر روی سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

فداشان را او میسازد که در برابر هجوم انحصار طلبانه و همسر یک خرده بورژوازی به سنجی آزاد سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

دولت سنا سناها در برابر "فشیونیسم" مرجع "را در پیش گیرند، (کار ۱۰۰۰) همس سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

که هیئت حاکمه هجوم کسب کرده ای را به جنبش انقلابی میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

و بخصوص حسن خلق کزدار ریکس و آزاد سنا سناهای ما میگردند. برای درک سنا سناهای مسئله ما چارچوب قدری تقسیم بر کردیم.

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم!

آمریکا را از بیی داشت ، زمینه‌ساز یک سلسله تصمیمات در راستای نیروهای م. ل. ، بسود تقویت‌گرایش رویزیونیستی و راست - روانه ، را فراهم آورد . مهمترین نیروی که سبب آزهسه از سادها ی مسموم برخاسته از این تحولات ، است دید ، سازمان چریکهای فدائی خلق بود .

اولین آثار این چرخش رویزیونیستی جدید در نظر اب فدا ثیان ، در اولین مقاله تحلیلی این سازمان را در وضع سیاسی جامعه و قدرت سیاسی ، یعنی مقاله " چرا مرکز سوسی آمریکا تسخیر شد؟ " انعکاس می‌یابد . چرخشی که پس از آن به تدریج صورت یک خط معین رویزیونیستی در مواضع فدا ثیان ادامه می‌یابد ، در ادامه حویث به طرح نظریه وجود دو بخش " خوب " و " بد " حاکمیت سیاسی فرامی‌رود و در پناه سنت خویش به سکوت معنی دار آنها در قبال " موضوع قدرت سیاسی " و خودداری از موضع گیری صریح و روش در برابر کتل آن منتهی می‌شود .

هسته مرکزی نظرات طرح شده در مقاله " چرا مرکز ... " ، که در واقع پایه نقطه نظرات رویزیونیستی بعدی را بنیان نهاد ، قدرت سیاسی تشکیل می‌دهد ، این است که آنها اشغال سفارت و حرکات و رویداد های حول و حوش آن را سرآغاز سمت گیری بخشی از روحانیت سپهیم در قدرت سیاسی ( و با نفوذ آنها " قشربون مرتجع " ) به سوی صفا انقلاب و حسیه نیروهای مرفهسی اریاسی می‌کنند . البته آنها در این مقاله روش نمیکند که آنها این بخش از جناح موی در گذشته و مسل او این تفکیر جهت در صفا انقلاب قرار داشته است یا نه ؟ همچنین آنها در این مقاله این چرخش را بطور صریح و روش بیان نمیکنند . بلکه از واقع گراشی این جناح و بارگشت سمت مفاع خرد - بورژوازی و " شکستن مترسب " آن " تبفع واقعیت " سخن می‌گویند ، کوش کنید :

" حرکات احروجریان اعمال سفارت آمریکا و بطور کلی تداوم سایش‌هایی که در یکساله اخیر در مرکز در سادگاهها و مواضع جناح نیروهای مترقی مذهبی و جعفر سخن‌هایی اریاسی سرورهای و این گرای مذهبی پدید آمده است موضوع در جهت بارگشت سازمان حوای حقیقی خرد بورژوازی برواقعیت عینی حرکت تاریخی آن است صورت گرفته است ."

و در جای دیگر :

" دستگاه روحانیت بر اساس حساسی ارگسرس مبارزه طبقه تلروما طبقه مرفهسی می‌گردد و در رویداد س تحرسه در برخوردنا مفاع واقعی ( ! ) خرد بورژوازی بخشی روحانیت در جهت مفاع خرد بورژوازی حرکت میکند ."

(هما جنا )

این جناح ، که از نظر فدا ثیان چنین تحزیه‌ای را پذیرا میشود ، تحت رهبری آیت الله خمینی قرار دارد ( نگاه کنید به پاره‌ورقی انتهای مقاله ) و جناح فدا میرالاستی درون هیئت حاکمه حامل این تحزیه است ، کیست وجه ما هینی دارد پیشینه آن کدام است و رویداد حرکتی آن چگونه تصویر میشود ؟ مواضع رفقای فدائی در این مورد بسیار مهم و متناسب است اما برای درک مواضع این سازمان ، ناچار مبروی تحلیلی آن از این جناح اندکی مکث کنیم .

شکستن قشربون تبفع واقعیت

و یا حرکت خود بخودی ج - ف - خ !

فدا ثیان این جناح را که عمدتاً تحت عنوان کندهار و پیر ایها م " قشربون " بیان می‌کند ، یکی از جناحهای سه‌گانه سپهیم در قدرت سیاسی میداننده بین از قیام در کندهار دیگر جناحها در صحنه قدرت سیاسی ، ساخت مخصوص خود را جاری می‌کرده است :

" درگیری دروسی هیئت حاکمه بر محور سه سانس حول می‌یابد ، یکی سانس نوسانی مرسون که با نگاه مستقیم آن خرد بورژوازی و این گراشی است ... و دیگر سانس لسرا لیا سانس که بر سه داری عنرا حصار ی را بنا سادگی می‌کنند و نا لاره سانس انحازات برک و استه که در پهن اربحا مرسن ما ابالات مرسون خود را سپاه می‌کند " (هما جنا )

در مورد هیئت طبقاتی این جناح ، اگرچه این سازمان صراحت خود نمیگوید ، اما ما توجه به برخی از کلمات مهمی مقاله و نیز نوشته‌های بعدی آنها نظر مرسد که ما هیئت طبقاتی این جناح را " خرد بورژوازی سنی " مینداسد . ( سخنوان مثلا در نقل قول فوق الذکر گفته میشود که " نا نگاه مستقیم " این جناح " خرد بورژوازی و این گراشی " است . اما آنها روش نمی‌کنند که نا مبطور " نا نگاه مستقیم " همان نا سه طبقاتی این جناح است یا نا نگاه اجماعی آن " می‌مورد نظراست )

کنند دیگر ، اینکه آنها نا ز صراحتاً نمی‌گویند که کدام جناح در مجموعه هیئت حاکمه هزمویی دار دوست به دیگر جناحها نقض غالب را ایضا می‌کنند . اما نا توجه به مجموعه مواضع اسرها در نشریات آنها نظر مرسد که آنها جناح " قشربون " و سه عنرا بر دیگر " خرد بورژوازی و این گرا " را در قدرت سیاسی مسلط می‌دانند . ( ۱ )

توصیفی که اس سازمان در مقاله فوق از جناح " قشربون " هیئت حاکمه در مفاعل ما را ارائه میدهد چنین است :

" مرسون سرکه هراسان را را بنا در ساد هه سشن بوده ای دم افرو سواد رها مایه موده ساحت به هراس امانا ده بودند ارهان رورهای فعل ارمانا سنی منکر دند حسن را مهاب کسود سرای بشرد مفا موده مندس و همکار ی پسر و وار د بر کرم آرا سرا لسرا لیا نا میند . " (هما جنا )

و سپس درگیری ممان دو جناح مسلط رحمتش ( خرد - بورژوازی و لسرا لیا ) را چنین اریاسی می‌کنند .

" ... لذا جنگ قدرتی که در میان دو جناح هیئت حاکمه بر مرفه مدرب بریاد ارهان آرا مایه سرب کار رها ی کویا کون حیت سپه گیری ارسرا ر سوده ها و ارسری آرا نا همزاه مود . " (هما جنا )

می‌آیند و " در جهت مفاع خرد بورژوازی حرکت میکند " و " های واقعی خود را در کنش طبقات " از می‌یابد اما فدا ثیان می‌گوید :

" اکنون ساهد چرکی هسب که طی آن یک حن ا مرسون محسوده امدار مان حوای و این گرا نا سه خود را بنا ر وید عینی مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی که ما مسل گرا سانس نوا ماً ر مفا حوا ها به و و این گرا با سه اسب در ساد مرسد و خود را نا واقعت عینی حرکت تاریخی خرد بورژوازی که لروما دوگاه است منطبق سارند ."

(هما جنا )

نگاه کنید ، ما ر کسب - لسببم و فو اس مبارزه طبقاتی بکا لکد مال مثنوید و ا نده ا لسم و شوبه بر خورد ما و ا طبقاتی حابگر س آن میگردد ، سه ، رفقای عرب را اس " سخی از فشرت یون " ( البته سرع ممانحتی که نقض غالب را در ترکیب هیئت حاکمه دارد ) سبب که خود را نا " واقعت عینی حرکت تاریخی خرد بورژوازی ... منطبق مسازد " ، بلکه این تما هستد که تحلیل خود را در حرکت سطحی رویدادها و حوادث " منطبق مسازد " و از نفوذ عمری پدیده و روندهای احتمالی ، غافل مثنوید .

● تا دیروز فدا ثیان سپاه پاسداران را جزء جناح فدا میرالاستی بشمار می‌آوردند . اما پس از حوادث گتید این سپاه نیز به دو جناح " خوب " و " بد " تبدیل شد ! آنها برای نجات تئوری رویزیونیستی خود مجبور بودند که چنین کنند !

● فدا ثیان در بررسی سپه می‌بیند که نمی‌توانند مدت زیادی در آن بسر ببرند و ناچارند که سرانجام راه خود را انتخاب نمایند . اما آنها در انتخاب راه دچار گیج سری و آشفتگی فکری فراوانی هستند .

آری ، ما هم معتقدیم که " قشربون " این جناح " بسود واقعیت می‌کنند " ، لیکن شما یک اشتباه کوچک ارتکب می‌شوید ، شما " واقعت " را چیز دیگری می‌بینید و جناح " قشربون مرتجع " را چیز دیگر . " واقعت " شما فقط در ذهن تا ن حضور دارد و " واقعیت " ارجاع قشربون در صحنه واقعی مبارزه طبقاتی است . " واقعت " خرد بورژوازی مرفهستی بهاد و حکم می‌کنند که در عرصه مبارزه طبقاتی " بسود خود را با مفاع طبقاتی معین محفوظ دارند " تا از ابتدا رسای این در عرصه قدرت سیاسی مفاعت سعاد ما این " مفاع طبقاتی معین " برخلاف سادگاه ایدالاستی شما خرد بورژوازی سواد هسود ، بلکه طبقه مسلط اصمادی است که ما می‌توانیم مفاع تاریخی " آن را بسا مفاع تاریخی " قشربون مرتجع بسپوزده است . چرا که گویا " مادی تاریخی " چنین حکم کرده است که هیچ دولتی نمیتواند بدون بسوند یا متن با مفاع طبقه مسلط اقتصاد دی در صحنه سیاسی حضور یابد داشته شود و همچنین گویا همین قوانین مادی تاریخی حکم می‌کنند که نیروی سیاسی حاضر در قدرت سیاسی ( دولت ) نمیتواند در درگاه یک سیستم اقتصادی - اجتماعی معین بر مفاع مسلط است ، از دایره مفاع تاریخی آن رها شده و بر مفاع تاریخی طبقه ای منطبق گردد ، نا سه سمب انطباق با آن حرکت کند ، که راجحاً تاریخی و طبقاتی در ساد ا نکار با طبقه مسلط اجتماعی یا سیستم اقتصادی حاکم بر می‌برد . بدون آنکه قصد در هم کوشش و دیگرگون کردن این سیستم و ناگزینی سیستمی را داشته باشد .

اس قانون ساد های است که حکم آن را حرکت عینی مبارزه طبقاتی در مفاع مواضع نهائات رسانده است .

استحاله که نیروی سیاسی جدید در راجوب یک دولتکست طبقاتی در رویداد طبیعی خود بسبب انطباق با مفاع معین طبقه مسلط صورت می‌گیرد ، طبیعی است که در جریان این حرکت این نیروی سیاسی متوا بسببیرات معینی در ماسات و سبب حاکم سیاسی بکارد . اما این تعبیر فقط در راجوب و محیط مفاع اساسی اسبب صورت می‌گیرد و لایقیر ، در غیر انصورت ، نیروی سیاسی جدید در مفاع طبیعی دستگاه بهره‌گسی کامعا احلال ا ساد می‌کنند و آن را سمت نا سودی می‌کند . و این حرکت روروال و نا بودی سبب ماسا گزییر اصمادی رسای نیروهای حاضر در قدرت سیاسی و سبب ارتق دولت حاکم را بر سبب سبب و نا بودی می‌کند ، فقط یک راه دیگر ممکن است ، راهی که هج هج نیروی سیاسی نا سازگار با سیستم اصمادی - اجتماعی حاکم ، ارحصه قدرت سیاسی و

این سازمان سبب حرکت این جناح " قشربون " و " مهار کینده " بخشی از در مقطعی که مقاله نویسه شده است ، سببسی را می‌تواند بگوید ممان روه مایه میرالاستی ارجاسان جناح سبب اول سده شده است ، چنین توصیف می‌کند :

" مرسون مکتوب ممان روه مایه را با حاکمیت امیرالاستی که هدف آن اسعرا رولات معنات ، همان بنا روه صد امیرالاستی کارگران و رحمکسان - که ملسرم اد های مرسون هدف مسعمان اسعرا رجمهوری دمگراسک خلق است - حابرسید و از این طریق ساد بر سوری آنها را به خدمت آمال خود می‌کند ."

سارایان تا اینجا هیچ سخن ارمنا روه مایه مرسا - لیبستی " جناح " قشربون مرتجع " را می‌گوید در همین مقاله سه جناح فوق الاطلاق مثنوید ، حاحی که سر قدرت سیاسی مسلط است و در مفاعل ممان مدهم سستی بورژوازی لسرا لیا سنی منکر دندش را مهار کنند ، در ممان سبب و نا لعکس ساد ر داده مثنوید که " قشربون " در تلاش " جاردن " مبارزه سراسعرا ر ولایت مفسه " خود سادی " ممان روه مایه میرالاستی کارگران و رحمکشان " هستند .

ا طرف دیگر ما هب " قشربون مرتجع " یا " ارجاع قشربون " چنان است که جتی در بسبب " ارجاعی ترین ساملات " سبب " اصحار اب برک و اسسه " را " سهان ممان راد " (هما جنا ) و نا آن سانس میروند که در سادنا اس جناح ( یعنی اصحار خرد - بورژوازی سنی با سرامه داران اصحصاری واسته ) سمالف با لسرا لیا پردا حته و می‌گوند از طریق " اس وحدت لسرا لیا ا سرون رانده و سانس سربو متمرکز را اعمال میند . " (هما جنا )

اما اگر فدا ثیان خلق سحت نا سرون و خود بخودی ا مواع و ممان ثرا و واقعات ا سکا ربا بد سراماره طبقاتی و کسردار واقعی خرد بورژوازی مرفه سنی ، محسوده است که سانس گوشه‌هایی از حاق موجود در مورد اس جناح بپردازد ؛ اندکی سدد در همین مقاله ما رهم سحت تا سرون و خود بخودی ا مواع و حرکت سطحی رویدادها ، سه تحلیلی از حرکت جناح " قشربون " سبب میرد و حتم ا داری آرسده ا را بسوی می‌کنند که سه سانس اما حاق فوق در ساد ممان رید می‌گردد ، بلکه رهم سبب حرحس جدید در سانسهای این سازمان راسی بر می‌می‌کند .

( ۱ ) - مفا ل اصحصار سارمان در ساد ۴۸ و ۴۹ کار در ساد خرد بورژوازی ، اس مسئله را س مباحث سسری سان می‌کند .

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست





کدام احزاب حربه بورژوازی پشیمان دولت بورژوازی و عوامی را  
ار حربه بورژوازی که در اثنای انقلاب با بورژوازی قدرتی را  
در دست گرفته بودند، می گفت :

"اگر این قدرت (قدرت بورژوازی) اکنون خواهد سرهنگ  
و جرمهای و زور و جوارها حرات آنها پیشانی کند، بلند  
معن جلادان این افراد با گریزی یک حس "سراخامی"  
برای اس احزاب سراسر "اساهاات" آمان... روس  
ارنا شنیدنا سبغرم، یعنی ساسی که سه دهه  
سروری ماه روئنه کاساک ها مروهو است، برای  
مردم صوبیح داده بود" (در اطراف ستارها)

نه سر و شکستی چون اسو سرفیکا که شد. عرب آمو  
است نه! او فردی است تا کوله ناری در حیان و سنگس  
ما ز زمانه رژیم شاه، اصل از ما. حربه بورژوازی که حس  
پای در دست قدرت حربه بورژوازی حوتی است. همین فرد و  
امتالش اکنون نه "غلامان بورژوازی و آنچه غلامانی که  
پایتن در کسود و حیر مولایانست" (لینن - در سه ای انقلاب)  
تبدیل شده اند و احزاب بورژوازی نه کشتار خلفهای محبت سم  
می پردازد!

این واقعیت را حسی فداشان سیر می توانستند انکار کنند  
اما آنها در سه ای لازم را از آن نمی گیرند و می خواهند ک  
کنند که میانه های سیستمها با جاب می کنند که از یک بورژوا  
دمکرات مبارز می که تا فانی پسنوا نه در حاسی ار مبارزه  
و صداقت انقلابی را به ما دارد. یک جلاد، یک دژ میسار د.  
جلادی که حاضر است بوده ها را در پیشگاه هدای سرما به فراسی  
ساخت .

حوادث گنبد و تناقض گوییها

تا در روز فداشان سپاهیان ساداران را خراج آن حاسی  
میدانستند که حصلت صدام میریالینستی داشت و میا ز ره صد  
امیریا لینیسی میگرد، اما حوادت گنبد و جلادی آنگار سپاه  
ساداران به همراه ارتش صدام حصلتی آنها را واداشت که سراسر  
خلوگیری از ضرورت حین تئوریهای مشفق حود، حلی سگاه  
ساداران را تیریه و حواج مترقی و ارجاعی سدل کند  
و درگیریها و کشتار خلق ترکم در گنبد را نه کردن حجاج انجاعی  
آن بیایند زنده!

فداشان در مکتب جنین شتاقی گرفتار آمده اند. در  
سرخه سه سمری سرنده نمی توانستند ریادی در آن سمر  
برند و با چارنگه سراجا م راه حود را انخاب نماسند، اما  
آنها در انتخاب راه و چارنگه سری و آنگه سمود رجسوی اردور  
هستند. آنها به تحلیلی دست می زنند که از نتایج آن حسود  
و حخت دارند و در سراسر آن سکوت می نمایند.

آنها از یک سوادت سیاسی راه و دویحی مترقی و ارتجاعی  
تقسیم می کنند، ارسوی دیگر تقش غالب را در قدرت ساسی  
نا جناح حربه بورژوازی یا حش مترقی می دانند، پس نظور  
طبیعی نا قدرت ساسی ورژیم کنوسی را در مجموعه حود  
مترقی و صدام میریالینست نا شد و پیشانی آن را و طبعه  
حودیشما را ورند (السه پیشانی می سروط )!

نتیجه منطقی چنین تحلیلی، تقویت رژیم کنوسی و  
دمکراتیزه کردن آن از طریق بیرون راندن حناها و حریان -  
های ارتجاعی درون آن است. نتیجه منطقی چنین تحلیلی  
رویکردانی را انقلاب وری آوردن به فرمسم است. اما  
فداشان ار مساهده و بیان چنین نتایجی را ساند. آنها از  
بی آمد و نتایج چنین تحلیلی ها می فراسا شد و نتایج میسند  
که در صحنه واقعیت و در حراج ارده سب محتضان، سارژیمی  
سروگا ردا رنده که در سراسر انقلاب فداشان کرده است و هر روز  
در حای نه کشتار رسوده است می نارد.

این ساسی آنگار ریمان "شوری و واقعیت، فداشان را  
مخور می کنند که در برابر ساسی سربس میثله انقلاب یعنی قدرت  
ساسی سکوت پسند کنند و لاجرم نا در سبش کرفس ساسب عیدم  
مراجید در مورد رژیم کنوسی و طفره رمن اسر حور دمصح و سبه  
کلی نا حناهای درونی آن و بخش هر یک در صحنه ساسب، سر  
بوم بوده ها می افرازند.

حوادث گنبد و حجاج نا مطلاع صدام میریالینست رژیم در  
آنها مومع دوسهل و سراجا م فداشان در سراسر اس مسئله،  
سپهرین گواهی م دعاست.  
آنها کوسندنا سب طریق ممکن شوری روبروسسی  
حود را که در سراسر حوادت عربان ترکم صرا، آنگار را کشت  
حورده بود، از ضرورت حین نجات دهد. حجاج "صدام میریالینست"  
رژیم در آنجا دست نه کشتار روح سانه ای رده بود. اما فداشان  
سحا طریق با شوری حود و لاجرم بطهر حجاج "صدام میریالینست"  
رژیم، ساجار سنده که ساه ساداران را سرنده و قسب سدنزل

کنند: حجاج مترقی و حجاج ارتجاعی. آنها کفند که حوادت  
کنند و عملگر در حجاج ارتجاعی ساه ساداران بوده است! البته  
آنها هیچگاه سراجا روس نکرده اند که ساس حجاج های مترقی  
و ارتجاعی چه کسانی هستند. کدامین افراد واسمه حجاج  
مترقی و کدامین عنا مروهو سب حجاج ارتجاعی است. آیا  
منصوری حرج، حجاج ارتجاعی است و اسو سرف حرج حجاج مترقی؟  
آنها هر دو در حجاج ارتجاعی اند و ساس دور دورانی در حجاج  
مترقی فرار دارند؟! فداشان ساه ساس سوال یا حنی سنده.  
سائده که فردا خنده ای دیگر آن را محبور کرد که هر یک از  
حناها را سرنده حناهای کوچکتر نسب کنند! وحی نا سب  
لازم آنگه عملگر در افراد واسمه سرنده سرنده حوت و  
ندیمسم ساسند. ارسنه های حوت آن پشیمانی کنند و از  
حسه های فداشان ایضا دوحه های حوت. خوب کسند و س  
حسه های فداشان به ما سرنده سرنده. آنگاه که سرون در  
موردنا یلثون انجام می داد!

آری، شوری روبروسسی تقسیم قدرت سیاسی نه د و  
حجاج "حوت" و "و" که فداشان بدان سول حسنه اند، هر روز  
سند در سراسر اوجنا با حاصه ربک می نارد. اما آنها همچنان  
براس شوری پای می فاسند، در حالیکه ریدرس ساسح  
احسان سدراس شوری، اسسکاف می ورند، اما در  
همان حال ساجار سنده در عمل براس ساسح کردن نگدارند.  
آنان فراسا سدنله سده دفاع ارزیمی سرنده که  
سرم آمان حجاج غالب آن صدام میریالینستی و مترقی است.  
حراج حین دفاع آنگاری فداشان خلق را نظور کا مل در صحنه  
رفرمسم و روبروسسم حای می دهد. اما آنان در حرکت  
رور مروهو سادار سندن شوری حود را به مرحله عمل در آورند.

در سب کرفس ساسهای رفرمسی  
سپوده سب که ساس سارمان سس ار رسدن سنی صدر سه  
مقام ساس حبهوری ساه و وعده سنده که اره رگامی که در حجهت  
سافع رخصکان سدرارد، حاسب می کند. (۲) حوادت گنبد  
و فداشان و اوضاع ساسی سدر در ساس رابطه ساداره کاسی  
سسان داد که و "که ما میانی" می حواد در حجهت سافع رجمب -  
کسان سدرارد!

آری فداشان در شوری ارسان صرح ساسح حلیلهای  
روبروسسی حود، یعنی حسان ار رزم کنوسی، سغوبت  
حجاج "صدام میریالینست" و "مترقی" آن در سراسر حجاج ارتجاعی،  
دموگرا سرنه کردن سسسم موجود سسرون راندن حریا ساسب  
ارتجاعی اردرون آن، طفره می رسد. اما در عمل سسب  
ساسحی راسا نه می کنند و ساسب های حود را رخص حلیل -  
های استواری می کنند. آنها حراس سرجا راه ای دارند؟ آیا  
آنها حواد سدنله ساسهای روبروسسی سرنه ساسب  
حود را می انداداده دهد؟ ...

آری این شوری در ساد و حود، حرافتان در ورطه رفر -  
مسم، حرجاع ارتدرب ساسی کنوسی، ثبوت آن و کوشش در  
حجهت سرنه کردن آن سراه سگری سبب سنی سسود،  
سحود سب که سراجا سده ای روبروسسی سده ای سراسر  
فداشان کف می رسد و سده ای کوبند "سرت آمدند" اما  
سب سادرد "حوتی آمدند" سحود سب که حرت بوده حواداران  
حود را حول حواداران فداشان سسج می کند و آنها را ساسک  
ساسب حسان سده و سکا را سبب سنا می کند. آری حرت  
بوده ار کرات با روبروسسی حده رگ سده این سارمان و حجه  
در حال حاضر، حیر سسار رنده است!

● فداشان نمی توانند میان حرکت حربه بورژوازی در خارج از قدرت سیاسی و زمانیکه  
بعنوان متحدین پرولتاریا در برابر دشمن مشترک صف آرا می می کنند، با حرکت حربه -  
بورژوازی در قدرت، زمانیکه به همراه بورژوازی به قدرت سیاسی دست می یابند،  
تفاوت قائل شوند.

هدف از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری!

ساسی که ساس سارمان در اسنا حنا ساسب حبهوری  
اسناد کرد، ساسراب سب شوری ساسب عوممی را بوسسی  
سسان می دهد. اس سرت سسان داد که آنها سسرم هر کوه  
شوری ساسی سسرامون دلالت سرت سسان، عملا در حجهت سرت سرت  
سرنه کردن سسسم ساسی موجود حرکت می کنند. اس مسئله را  
مخوس مومع آنها در سراسر سرت سرت سسنا ساسب حبهوری  
سراه ای العین سسان داد. سسار آنگه سسود رجسوی اردور  
اسنا حنا سسول سسوه سسوی آنگه سسول حینی سسکا رگدا سسند،  
یعنی در سراسر که مسئله "سغوب حسه سسوه های مترقی و صد  
امیریا لینست" در صحنه سسنا حنا ساسب (دلالتی که ساس سارمان ار  
سرت حود در اسنا حنا سساره می داد)، دیگر سسب سسده بود،  
اس سارمان، سرت حود را در اسنا حنا سسنا سسول کلی سسوه  
سده ساسب و وعده داد که در سسوری که سسنا سسب دور دوم  
سساحاد، مطابق اومع و سسرت حاکم سسنا حنا سسب  
حود را حواد سرت! کوس کند:

"ما فعلا سراسر دور اول اسنا حنا سسنا سسب حبهوری کاسد -  
سدا حنی سسار سسود در سرت دور دوم اسنا حنا سسنا سسب  
سدا حنی سسوه و سسرت سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
و محسین سسب محوم مردم سسار سسب سسب سسب سسب سسب  
ارنگ سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
آن راه اطلاع عموم حواهه سسب سسب"  
( سسب سسب سسب سسب )

آنا حراس اس که ساس سارمان می حواسد در دور دوم  
اسنا حنا سسنا سسب حبهوری سسلا ار سسب سسب سسب سسب سسب  
سراسر سسب سسب... سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سارمان سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
موجود. ار سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سراسر حنا حنا و سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
در سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سرت سسب!

حین ساسی راجعی سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
می ساسی سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب

بحث بر سر نابودی نظام سرمایه داری و ایست

فداشان در ساد بودی نظام و اسسه موجود سسب سسب سسب  
اما ساد بودی اس نظام سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
حجاج ارتجاعی آن ارتدرب ساسی، و در سب کلام از طریق  
دموگرا سرنه کردن سسسم ساسی موجود سسب سسب سسب سسب  
اس دعاوی را ما ار حود سسب سسب سسب، اس سسب سسب سسب  
شوری تقسیم سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
مومع قدرت ساسی ارتجاعی سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سار سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
روس سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
در دست کسب و آنا دولت کنوسی در مجموعه حواد انقلابی اسنا  
ارتجاعی؟ آنها سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
کنوسی و سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
حوا سسب سسب؟ آنها سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
آن سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سراسر سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
و محسین سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
ارنگ سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
آن راه اطلاع عموم حواهه سسب سسب"  
( سسب سسب سسب سسب )

آنا حراس اس که ساس سارمان می حواسد در دور دوم  
اسنا حنا سسنا سسب حبهوری سسلا ار سسب سسب سسب سسب  
سراسر سسب سسب... سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سارمان سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
موجود. ار سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سراسر حنا حنا و سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
در سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سرت سسب!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

۱-۲- نقل سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب







وحدت عمل انقلابی که منکی به ما مع خلق است همیشه مورد اصرار و فشاری کمونیستها و همدا انقلابیون صدق بوده است و می ناید.

در واقع با نادانگفت کسانی که انقلاب صریح سرزد که عملاً ارنسرا لیا دفاع میکنند، وقتی ما هدی ارنسرا لیا دفاع میکنند صریحاً میگویند که ما هم این اسم است. وقتی حرکتی فداانی که نظاً هر درجائی ما هدی ما میگردانند، به سر و هوسای ما رگسب - لنینست نیست میگردانند و در مقابل آرآنها که انقلابی بنوده و بسند حجاب میکنند. این امر جزئی نیست و صریحاً میگویند که اسم انقلابی و عقوبت همیشه شوررواری. حرکتی فداانی همان را می را میروید که ما هدی. اکثر ما هدی به لیسرا لیا کمک میکنند که مخالف انقلاب و موافق سرمایه داری حاکم هستند، حرکتی فداانی سر اضرادی حجاب میکنند که طرفدار همسرینم و انقلابی موجود و مخالف کمونیستها هستند. ما از حرکتی فداانی ستوال می- کنیم برخی اضراد و در حجاب ما چگونه و در کجا به ارنسرا لیا جنس کمک کرده اند؟ تا ما که میروین لیسرا لیا سمود میگویند ما را بر هم میروند، دهیب بوده ها را به کجا ارنسرا لیا می کنند؟ تا ما که دهن بوده ها را با این برکت هر آکنس نمی کنند؟ تا ما که دوسان واقعی خلق کمونیست میسند؟ تا ما که علی- دوسان خلق عمل نمی کنند؟

حال حرکتی فداانی به نیما ارنسرا لیا انقلابیون سنگر حجاب نمی کنند بلکه آن را مورد حجابی و بهیبت سر قرار می دهند آن می گویند :

"ما هرگز جنس حجابی را خوبتر نخواهیم کرد و این قطع نظر از روانی است که فلان کاندیدای مورد حجاب داشته است. ارنسرا لیا ما سوا سوا را می این سا آن کاندیدان با ندخه در میان کاندیدان های حرب بوده و چه در میان کاندیدان های حرب جمهوری اسلامی و چه در میان سایر کاندیدان ها. عا بر ساری مسوان تا ما که با لیا رندان کننده اند و ارمها مردانه هم رندان کننده اند و در برابر مردم در حجاب ها ا بسا ده اند."

ما میل را اینکه سوا سوا یک کاندیدان را میان مطرح باشد می گویند و فعالیت طنفا نی - انقلابی فعلی و مطرح است و اینها فاکتورهای حجابی بهیچوجه صرف زندان رفین فلان کاندیدان نیست. حجابی بودنند افرادی که بر ما به یک مسی رفیر منستی و رویزیونیستی به زندان اضا دند. زندان رفین ارنسرا لیا فاکتورهای انقلابی بودن است و به دلنلی بر حجاب نیست. برای ما معنا واقعی برای حجاب تا عدم حجاب مسئله می وسناست و بر ما به یک بیروما هت طفا نی است. اما فدا ثان چه می گویند ؟ حرکتی فداانی آنجا در درجه معکرات روبرویونیستی

سرمی کنند که و نتجا به مرندی طفا نی را بدست "فرا موی" می سازند. آن عملی جریس انقلاب و صدا انقلاب را محدود کرده و سخوی که کاندیدان های ما را مان و دیگر سر و هوسای کمونیستی را هم در دست کاندیدان های حرب صدا انقلابی جمهوری اعلامی و حرب بوده حاشن قرار می دهند. حرکتی فداانی جنسی نظور منعی کاندیدان های روبرویونیستها و حرب جمهوری اعلامی را با سان اینکه "ارضا مردانه هم رندان کننده اند" مورد نا شنیدنی قرار داده و بدین برکت آن را حجاب ارمند انقلاب نس میروند. فدا ثان دیگر کاری با ارنسرا لیا که هر کجا ما را بس سر و هاداری حجابی می ما بسا دوا مرور و حرکت آرآنها در کجا مچینه ا بسا ده اند. تا کمونیستی را ستن سا روبرویونیستی فداانی حرب بوده بر ارنسرا لیا رنظر ما رمان حرکتی فداانی خلق که ما فندیس علمی بوده و معکوسان کلا با روبرویونیسم آلوده است جواب این پرس نیست است ولی برای انقلابیونی که مرز انقلاب و صدا انقلاب، میرویند و کمونیست را محدود کرده اند و بر ما به یک های طفا نی عمل میکنند. ما طله روبرویونیسم ما را که بسما ارنسرا لیا طله شوررواری را بولنا میا است. حرکتی فداانی ادا می دهند :

"حال آنکه ارنسرا لیا رنجر حجابان حربه شوررواری دموکرات که می خود را ارنسرا لیا کمونیستی ایران نس کرده اند در برابر حجابی شورروانی حجابی (مثل ما هدی) خلقی اس حجابی بسود حجابی کمونیستی تمام خواهد شد. تا اس حجابی لروما به عقوبت و رندانده عمل اوروبیونیسم درون حجابی کمونیستی منحرف خواهد شد. صحتیوق یکبار دیگر ما محدود کردن اوروبیونیستی حجابی کمونیستی ایران به ما رمان حرکتی فداانی، نس شورروانی بحریت آمروا حجابی رطلنا به خود را بسا نی می - گذارد. ولی مسئله اصلی بهیچوجه در سا بسا فوق است که حرکتی فداانی رنجر حجابی شوررواری حدمت میکنند. ما بر ما هدی که در مقابل ارنسرا لیا حرکتی فداانی ما بسا رمان ما هدی علیر عمما مبر لیا لیا و هها با لیسرا لیا بسا حجابی میگردانند و ما که کاندیدانم و حرکتی فداانی آن بسا در گروا ارنسرا لیا شورروای کمونیست است ولی در عین حال ما به بوده بسا ن دا دکه اس سر و هادست حجابی توها اند و در فداانی شوررواری متزلزل اند تا بدندان دا دکه مصلحت طلبان به حجابی همگاری ما کمونیستها با لیسرا لیا همگاری می کنند. ما ما دا مهمت شورروانی بر سنا نیمان خود را او... ولی رمانی که حرکتی فداانی از سر و هادی بیگانه بر بلحاظ اختلاف سیاسی - اندولویژیک حجابی نمی کنند و عملاً فرا موش میکنند که آن در مقابل ارنسرا لیا و ما بر ما لیسرا لیا که ما صحنه فرادارند، اس سا بسا حربه رندان به انقلاب معنی دیگری نمی توانند ا بسا ده. ما مگوئیم به هها بگویند که حجابی شورروای روبرویونیسم حجابی کمونیستی

را بسا بد می کند، حجابی حربه شورروانی و شورروانی سر حجابی دیگران یک و صا بر ما لیسرا لیا خلق را بسا بد می کنند. در حال حاضر خود اوروبیونیسم در سر و هادی سوا و نظور منعی در درون ما رمان حرکتی فداانی خلق ما بسا حجابی ما ارنسرا لیا در سا ل ارنسرا لیا و صدا انقلاب حجابی. اس اوروبیونیسم شکل طفا نی ما بسا رندان کرده و در عین حال ارنسرا لیا در مقابل ارنسرا لیا حجابی بسا ده.

ما بر ما به هس سا بسا مواج خود را در حجابان اسنا با بسا بد حجابی کمونیستی و انقلابی روس کرده و حجابی ارنسرا لیا حجابی.

هما نظور که در ارنسرا لیا ارنسرا لیا که در ما در اس ما لیا به ما هت اختلافات سیاسی - اندولویژیک خود ما رمان حرکتی فداانی خلق سر د حجابی و صفا سا بسا اس ما رمان را در برابر اسنا با بسا بد میرویند. در مقابل ارنسرا لیا ما هت اختلافات سیاسی - اندولویژیک خود ما رمان حرکتی فداانی خلق و اینکه در مواج عمومی سا بسا بسا اندولویژیک حجابی در اوروبیونیسم است، حجابی حجابی ما در ارنسرا لیا ارنسرا لیا که سا بسا اسنا با بسا حجابی حرکتی فداانی خلق یک سا بسا روبرویونیستی است، ما بسا ن دا دیم که چگونه ما رمان حرکتی فداانی خلق به نیما ارنسرا لیا انقلابی کمونیست در مقابل ارنسرا لیا و ما بر ما لیسرا لیا بسا بد میروند و را اس طری شوررواری حدمت نموده است، بلکه ما معرفتی و حجابی فقط ۲۰ نفر ارنسرا لیا و ما رندان اس حجابی ما بر سر و هادی صدا انقلابی مستقماً به ارنسرا لیا حدمت نموده است. اعلام آسکا ر عدم حجاب از سر و هادی کمونیستی و دعوت مستقیم ارنسرا لیا به ارنسرا لیا به کمونیستها، جبری حربه حجابی ما رمان حرکتی فداانی خلق ما سر و هادی دیگر کمونیست و حدمت به ارنسرا لیا را بسا نی می دهند، اس سا بسا یک سا بسا روبرویونیستی و اوروبیونیستی است. البته اس سا بسا یک امر انفا نی و سا بسا نی نیست. اس سا بسا بسا بسا مل یک حرکتی حجابی است. در اس ما رمان اوروبیونیسم حجابی حرکتی حجابی به اوروبیونیسم را بسا بشرو مندی (می حربی) اسنا لیا بسا کرده است و بسا بطرات روبرویونیستی موجود در اس می به گرا بسا بشرو مندی فاشه و قوی روبرویونیستی بسا بسا کردند. سخوی که ما روبرو ما رمان حرکتی فداانی خلق که بسا ما رکنسور روبرویونیسم ما رولنا ربا و شورروازی در مسوان است. در عین حال ما سرعت جاری ارنسرا لیا حجابی بسا بسا شوررواری و روبرویونیسم در حرکت است. و البته بسا بسا ره طفا نی وصف بسا و افعی بیروها برای ما اس صحت را روس میکنند که ما روبرو ما رمان حرکتی فداانی خلق ارنسرا لیا در لیا به رنجر هها و مر د با روبرویونیسم تمام عا رنجر ارنسرا لیا است.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



توضیح:

صممه شماره ۱ نیکار ۴۷ تحت عنوان "ما رمان حرکتی فداانی خلق و مسئله فدرت سیاسی حاکم" منتشر شد.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست